



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 3. Autumn 2023

Received date: 2023.08.25

Acceptance date: 2023.09.26



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.3.1.8

The Ennahda movement of Tunisia: Democratic transformation or turning away from Islamism

Bahram Akhavan Kazemi¹, Seyed Javad Salehi², Fariborz Arghavani Pirsalami³, Mozaffar Hasanvand⁴



Abstract

Investigating the current state of political currents after the Arab revolutions, especially in Tunisia, is one of the multifaceted, complex, and multi-layered issues in political studies, especially in political thought. In this regard, according to the developments of the Ennahda movement in Tunisia between the years 2011-2023 (August), the question has been raised that according to the intellectual tradition of the Ennahda movement, the model and political behavior of this movement, from which rule. Philosophical and political - civil democratic transformation with an Islamic reading or adjustment and deviation from the propositions of Islamic thought? In response, the proposed hypothesis states that the intellectual tradition of the Ennahda movement has moved from classical theology and thought to a new reform with the reading of civil democratic Islam. The findings indicate that this current has been influenced by the intellectual developments in response to the dualism of the West / Islam and the mystery of tradition and modernity, intellectual traditions such as the rationalist school of Al-Zaytouniyeh, and reformist (general) intellectuals. It is oriented from classical theology to reform problematic. From an empirical point of view, the constituent elements of the theoretical and methodical model of the Ennahda movement represent a continuous and relatively uniform approach, and its secular and civil aspects share commonalities with Tunisian non-Islamist movements. With the successful transition of this process from the first stage of challenges (passing Ansar al-Sharia and inevitable - sometimes unstable - consensus), the second stage began after the dissolution of the parliament and the holding of the second round of the 2019 parliamentary elections, and a new game It was formed from competitions. As a result, the Ennahda movement is trying to push the "extra-legal" and undemocratic dictatorship of the Qais Saeed government towards democratic policies or transfer of power. The conceptual framework is based on a multi-level reading of political thought (ideological evolutions, currents and intellectual systems, and late intellectuals of each discourse) and extraction of influential components and elements to evaluate the issue; the method of collecting materials is library and internet.

Keywords: Islamism, Modernity, Secularism, Democracy, Tunisia, The Ennahda Movement.

1 - Professor of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2 - Associate Professor of Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

3 - Associate Professor of International Relations, Shiraz University, Shiraz, Iran.

4 - PhD student in political science, Shiraz University, Shiraz, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۳، پیاپی (۱۱۳)، پاییز ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۲.۳۰.۳.۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

النهضة تونس؛ تحول دموکراتیک یا عدول از اسلام‌گرایی

بهرام اخوان کاظمی^۱، سید جواد صالحی^۲، فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۳، مظفر حسونند^۴



چکیده

بررسی وضعیت کنونی جریان‌های سیاسی پس از انقلاب‌های عربی به‌ویژه در تونس، یکی از موضوعات چند وجهی، پیچیده و چند لایه در مطالعات سیاسی به‌خصوص در حوزه اندیشه سیاسی است. در همین راستا، با توجه به تحولات جریان النهضة تونس در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۳ (آگوست) این پرسش مطرح شده است که با توجه به سنت فکری - اندیشه‌ای جریان النهضة، الگو و رفتار سیاسی این جریان، از کدام سنت فکری و سیاسی - تحول دموکراتیک مدنی با قرائتی اسلامی یا تعدیل و عدول از گزاره‌های اندیشه اسلامی - پیروی می‌کند؟ در پاسخ، فرضیه مطروح بیانگر آن است که سنت فکری جریان النهضة از الهیات و اندیشه کلاسیک به اصلاحی جدید با قرائت اسلام دموکراتیک مدنی سوق یافته است. یافته‌ها بیانگر آن است که این جریان تحت تأثیر تحولات اندیشه‌ای در پاسخ به دوگانه غرب / اسلام و معمای سنت و مدرنیته، سنت‌های فکری مانند مکتب عقل‌گرای الزبتونیه و روشنفکران اصلاح‌گرا (عام) قرار گرفته است و از الهیات کلاسیک به پروبلماتیک اصلاحی گرایش یافته است. از منظر تجربی، عناصر سازنده الگوی تئوریک و روشی جریان النهضة، بیانگر رویکردی مستمر و نسبتاً یکدست هستند و وجوه سکولار و مدنی آن اشتراکاتی را با جریان‌های غیر اسلام‌گراهای تونس سامان داده است. با گذار موفق این جریان از مرحله نخست چالش‌ها (عبور از انصار الشریعه و اجماع‌های اجتناب‌ناپذیر - گاهاً ناپایدار -)، مرحله دوم، پس از انحلال پارلمان و برگزاری دور دوم انتخابات پارلمانی ۲۰۱۹ آغاز شد و دور تازه‌ای از رقابت‌ها شکل گرفت. به تبع آن، جریان النهضة تلاش دارد تا استبداد «فرا قانونی» و غیر دموکراتیک دولت قیس سعید را به سمت سیاست‌های دموکراتیک یا واگذاری قدرت سوق دهد. چارچوب مفهومی بر اساس قرائتی چند سطحی از اندیشه سیاسی (تحولات اندیشه‌ای، جریان‌ها و نظام‌های فکری و روشنفکران متأخر هر یک از گفتمان‌ها) و استخراج مولفه‌ها و عناصر تأثیرگذار جهت ارزیابی موضوع می‌باشد؛ شیوه گردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی، مدرنیته، سکولاریسم، دموکراسی، تونس، النهضة.

۱ - استاد علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲ - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳ - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۴ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

تونس در ابتدای دهه سوم قرن بیست و یکم، چندان از توصیف تیری دژاردن^۱ در نیم قرن پیش دور نشده است: «زندگی سیاسی تونس، در زندگی دربار کارتاژ»، آنجا که همه انتظار می‌کشند و در توطئه-های کوچک، خلاصه می‌شود» (دژاردن، ۱۳۵۷: ۳۴۲). با این وجود، در طی چهار دهه گذشته^۲ خاورمیانه شاهد علاقه رو به رشد موضوعات گذار دموکراتیک و جامعه مدنی بوده است. ولی، با توجه به موضوعات نظری غنی مربوط به موارد «سد شده» تجربه دموکراتیک نظیر الجزایر، مصر و تونس، حذف منطقه خاورمیانه از بحث گسترده مذکور بسیار قابل توجه است (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۲۴). در واقع (با عنایت به تشدید رادیکالیسم دولتی، حزبی و غیر آن و نقش دین در زندگی سیاسی بسیاری از جوامع)، چنانچه دولت‌های عرب به گروه‌های میانه‌روی چون النهضه، جبهه نجات اسلامی، حزب الامه و اخوانی‌های سوریه اجازه مشارکت در انتخابات و برپایی انتخابات پارلمانی آزاد را بدهند، بخش بزرگی از افکار عمومی به سمت آنها متمایل خواهد شد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

پس از انتخابات ۲۰۱۱، حزب پیروز جنبش اسلام‌گرای النهضه^۳، تصمیم به تشکیل دولت ائتلافی با دو حزب سکولار، کنگره برای جمهوری^۴ (CPR) و چپ‌گرای اکتل گرفت (Grewal & Hamid, 2020: 4). مناصب حساس ریاست جمهوری، نخست وزیری و ریاست مجلس با آنکه میان سه گروه مهم ائتلاف سه‌گانه یا تروئیکا تقسیم شد، ولی با داشتن پست ریاست جمهوری توسط النهضه، آنها بیشتر از سهمی که در ائتلاف داشتند مناصب عمومی و دولتی را تصاحب کردند (Redissi, 2014: 385). در اوت ۲۰۱۳، اعتراضات (گسترده از سوی جریان‌های مختلف سیاسی) نهادها و سازمان‌های دولتی را در تنگنای شدید قرار داد، تا آنجا که النهضه ناگزیر شد، قبل از انتخابات، قدرت را (که تسلط بسیاری بر آن داشت) به دولت غیر حزبی واگذار کند که دقیقاً برای تدارک انتخابات پیش رو تعیین شده بود. نمایندگان مجلس النهضه که پیش از این از سلسله مفاد بنیادین در پیش‌نویس قانون اساسی جلوگیری می‌کردند، به یکباره به ایده قانون اساسی لیبرال، دموکراتیک و جمهوری‌خواه روی آوردند؛ قانون اساسی ژانویه ۲۰۱۴ که گامی تعیین‌کننده در راه رسیدن به تونس دموکراتیک بود (Ounaies, 2015: 31). تغییر

1 - Thierry Desjardins

۲ - با توجه به اینکه حمید احمدی - دانشور ایرانی - منبع مذکور را در سال ۲۰۱۱ (تجدید چاپ در ۲۰۱۷) نگاشته است، دهه چهارم جایگزین دهه سوم شده است.

3 - Islamist Movement Ennahda

4 - Congress for the Republic (CPR)

استراتژی مذکور، علی‌رغم تأثیرپذیری از تحولات داخلی و خارجی و نیز پاره‌ای مقتضیات، عمدتاً به سنت فکری و الگوهای فکری رهبرانی چون غنوشی بر می‌گشت که با انتخاب رویکرد «دموکراتیک مدنی» و «مردم‌سالاری دینی - مشابه ایران دوره اصلاحات - خواهان انتخاب دین از سوی مردم، نه حاکمیت و نهادینه شدن آن در باورهای مدنی بود و به نوعی اجبار دینی را آسیبی پر مخاطره تلقی می‌کرد.

النهضة تا سال ۲۰۱۹ صرفاً حزبی اسلام‌گرا با نمایندگانی پارلمانی بود. ناامیدی النهضة به علت عدم موفقیت در ایجاد سازش دین، انقلاب و البته سیاست، به ظهور ائتلاف کرامه، حزب اسلام‌گرای (عمل - گرا) و افراطی‌تر (صریح‌تر در بیان عقاید دینی) شد (Grewal, 2019). هرچند، به جز النهضة دیگر احزاب سیاسی از ایجاد نهادهای محکم حزبی و توسعه برنامه‌های رقابتی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی برای انتخابات ۲۰۱۹ ناکام بوده‌اند (Yerkes & Ben Yahmed, 2019:6, 8). پس از اقدامات اقتدارگرایانه سعید در انحلال پارلمان و فشارهای سیاسی و قضایی به بسیاری از کنشگران مهم تونس و نیز عزل و نصب‌های معنادار، با حاکمیت و نقش تقنینی حزب النهضة در نظام پارلمانی، اختلافات با دولت در آوریل ۲۰۲۱ با تنش شدید سیاسی همراه شد. قیس سعید عنوان کرد که در صورت تشدید اختلافات پارلمان به‌ویژه ریاست آن با نخست وزیر بر سر اختیارات، فرماندهی خود را بر نیروهای مسلح شامل نیروهای امنیتی داخلی نیز گسترش خواهد داد؛ این در شرایطی است که بر اساس قانون اساسی مصوب^۱ ۲۰۱۴، فرماندهی عالی نیروهای مسلح بر عهده رئیس‌جمهوری است و طبق تفسیر قانون اساسی، مسئولیت نظارت بر نیروهای امنیتی داخلی و وزارت کشور بر عهده نخست وزیر است. به عبارتی، دولت هرگونه گرایش به مداخله در اختیارات دیگر نهادها به‌ویژه از سوی رقبای سنتی (جریان‌های اسلام‌گرا) را بدون پاسخ نخواهد گذاشت. در واقع، دلایل اختلافات را باید در تلاش هر یک از جریان‌ها برای تصاحب بیشتر قدرت و گرفتن دست بالا در رقابت سیاسی در برخی موضوعات جستجو کرد، به‌ویژه برکنار کردن بسیاری از وزرای نزدیک و همسو با رئیس‌جمهور مانند توفیق شرف‌الدین، وزیر قبلی کشور از سوی نخست وزیر (المشیشی).

نگارندگان بر این اعتقاد هستند که از منظر روش‌شناسی در بررسی و تحلیل مسائل مرتبط با اندیشه سیاسی، روندی از سطح کلان به خرد وجود دارد، به آن معنا که با واکاوی موضوع در سطح اندیشگی،

عناصر اصلی استخراج شده و سپس با ارزیابی پاسخ‌های جریان‌ی/گروهی و نیز روشنفکری مستقل و توجه به مقتضیات خاص تاریخی، ضمن تعیین نسبت هر یک با نظام مورد بررسی - در اینجا النهضه - اقدام به گزینش مفردات، عناصر و مولفه‌های تأثیرگذار می‌شود. بر پایه مطلب مذکور در پاسخ به نظام فکری و روشی جریان النهضه و نوع کنش سیاسی آن در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ (آگوست)، این مطلب مورد بحث قرار گرفته است که جریان النهضه همانند دیگر نظام‌های اندیشه‌ای در جهان عرب از جدال تاریخی اسلام و غرب و پاسخ‌های جریان‌ی به پروبلماتیک‌های مدرنیته و سکولاریسم قرار گرفته است. سنت‌های فکری اخوانی الزیتونیه و متفکران اصلاحی از قرون نوزدهم تا کنون به نحوی بر ساخت معنایی تفکر سیاسی و روشی النهضه تأثیر گذاشته‌اند. بر پایه قرائت سکولار از دین و باور به ژانوس دین و سیاست، آنها به قرائت دموکراتیک از مسائل گرایش یافته‌اند و وجوه اشتراکی آنها با دیگر جریان‌های سیاسی در تونس، نشانگر وجوه سکولار و مدنی این جریان است و نقش اصلی را در ایجاد اجماع‌ها داشته است. لذا، هنگامی که پرسیده می‌شود «چرا با وجود قرائت‌های اسلامی جریان النهضه، آنها خود را سخنگویان رسمی اسلام در تونس معرفی نکرده‌اند؟»، در پاسخ باید گفت، فهم موضوع صرفاً از مجرای شناخت پیوند تاریخی بین مسائل از گذشته تا کنون و درک مقتضیات سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

ادبیات پژوهش

در بررسی مسائل مرتبط با تونس می‌توان به برخی از آثار در این زمینه اشاره کرد که به میزانی موضوع را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، مانند: باکر^۱ (۲۰۱۵) «نقش جامعه مدنی در انتقال دموکراتیک تونس»^۲، یلدریم^۳ (۲۰۱۸) «اسلام و سیاست در تونس پس از سال ۲۰۱۱»^۴، وولتولینی و کولومبو^۵ (۲۰۱۸) «مشارکت اتحادیه اروپا با اسلام سیاسی «میان‌رو»: مورد مطالعه النهضه»^۶ و منصوری و آرمیلی^۷ (۲۰۱۶) «انتقال دموکراتیک در تونس پس از انقلاب: شرایط برای «تثبیت» موفقیت و چشم‌انداز آینده»^۸ را می‌توان

1 - Baker

2 - The Role of Civil Society in the Tunisian Democratic Transition

3 - Yildirim

4 - Islam and Politics in Post - 2011 Tunisia

5 - Voltolini & Colombo

6 - The EU's Engagement with 'Moderate' Political Islam: The Case of Ennahda

7 - Mansouri & Armillei

8 - The Democratic 'Transition' in Post-Revolution Tunisia: Conditions for Successful 'Consolidation' and Future Prospects

ذکر کرد. جدا از مطالعات دیگر که ابعاد دیگری مانند سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی، رقابت‌های حزبی و مسائل تاریخی را مورد مذاقه قرار داده‌اند، برخی دیگر از آثار در این زمینه که با موضوع به نوعی در ارتباط هستند، عبارت است از:

بن‌سالم^۱ (۲۰۱۸) با طرح و ارزیابی تجدید حیات ایدئولوژیک النهضة از مسیر منشور تغییرات در رویه‌های استخدام حزب، معتقد است که النهضة سیاست درهای باز (انفتاح) را در پیش گرفته است و معیارهای پیشین - دوران بن‌علی که عقیدتی و دینی بود - را حذف و روندی دموکراتیک را سرلوحه کار قرار داده است. یافته‌های زواقی و کاواتورا^۲ (۲۰۱۸) نشانگر آن است که مسیر دموکراتیک و مدنی تونس نیازمند درک بسیاری از تحولات درونی مانند اسلام‌گرایی چون النهضة و انصارالشریعه است. از سوی دیگر، بر خلاف انتظار روابطی مانند آنچه در بین اسلام‌گراها گذشت، نشانگر آن است که تضاد درونی و طبقاتی و مهم‌تر از آن سیاسی، بیش از آن است که به اتحادهای بزرگ کشانده شود و بتواند در بلند مدت استمرار یابد. یافته‌های شاران گروال^۳ (۲۰۲۰) نشانگر آن است که مصالحه‌های پسا انقلابی در قانون اساسی، بیش از هر چیز نتیجه دهه‌ها فرایند اعتدالی جریان النهضة در طی سال‌ها تبعید در جوامع غربی و آموختن قواعد بازی سیاسی است. وی همچنین در پژوهشی دیگر^۴ (۲۰۲۳)، در ارزیابی میراث و نتایج بهار عربی به نقش غیر دموکراتیک نیروهای نظامی در تأثیرگذاری بر روند دستاوردهای سیاسی و مدنی در کشورهایی چون مصر و تونس اشاره دارد.

نترستروم^۵ (۲۰۱۵) با بررسی روند تحولات تونس و انقلاب ۲۰۱۱، به نقش و رفتار سیاسی النهضة پرداخته و معتقد است که نخبگان جریان النهضة تحت دلایل متعدد نظیر افول اخوانی‌های مصر و نیز عدم باور به برخی اعتقادات پیشین و گذار مدنی به تدریج موضوع شریعت در قانون اساسی جدید را کنار گذاشتند. یافته‌های هیبو (۲۰۱۱) در پرداخت به انقلاب تونس، نشانگر فقدان رفتار دموکراتیک دولت بن‌علی در مقابل مخالفان، بدون در نظر گرفتن وجود تغییرات در سطح سیاسی و اجتماعی بود. انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ علی‌رغم امید به جهان عرب و بازگشت ثبات سیاسی و اقتصاد، با از دست رفتن دستاوردهای انقلابی همراه بود.

1 - Ben Salem

2 - Zouaghi & Cavatorta

3 - Sharan Grewal

4 - Soldiers of Democracy? Military Legacies and the Arab Spring

5 - Netter Strom

پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از مطالعات مذکور، در چند سطح با آثار مذکور و دیگر مطالعات در تمایز است: نخست: پرداختن به دیگر جریان‌های این کشور و پرداخت به زوایای دیگر موضوع. دوم: پرداخت به منظر اندیشه‌ای، به کلیشه بهار عربی یا اسلام سیاسی و پیوست مطالب بر اساس آن. سوم: فقدان ارتباط اندیشگی در فحوای تاریخی - اندیشگی و قرائت موضوع به عمده روایت‌های جامعه-شناختی، نهایتاً محدوده زمانی مورد توجه و نوآمدگی در این زمینه؛ یعنی ۲۰۱۱ تا آگوست ۲۰۲۳ و چهارم: عدول از رویکرد یک جانبه و تک ساحتی در این زمینه.

چارچوب تئوریک و مفهومی پژوهش (منحنی ساخت اندیشه‌ای کنش سیاسی)

سطح تاریخی؛ منحنی تکوین غرب/اسلام سنت و مدرنیته؛ دین و دنیا

حنفی، استغراب (غرب‌شناسی) را در معانی متفاوت مطرح می‌کند. نخست، خواست غربی شدن در سطح لغوی. دوم، بر خلاف «شرق‌شناسی» - دیدن «خود» از نگاه «دیگری» - آینده‌ای است که «آمدن» آن را - به جهت حل جدال «خود» و «دیگری» - انتظار داریم (حنفی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶). نگاه مدرن به اندیشه بیانگر معنایی جدید و در تقابل با سنت است (ر.ک به: Nasr, 2021) که از سده پانزدهم میلادی به دنبال رنسانس مطرح شد (Nasr, 2022). نخستین بارقه‌های تکوین و بنیان مدرنیته را باید در ارتباط دین و طبیعت و نگرش مدرن به این دو مفهوم جستجو کرد که با حذف دین، مفروضات خود را از طبیعت اخذ کرد (Nasr, 1996: 164-169). سه مرکز ثقل مدرنیته از ابتدا تا کنون باعث جدال سیاسی (آکادمیک و پراکسیس) در جهان اسلام شده است، تقابل دین و طبیعت (Ibid: 164-170)، انسان و مسائل آن اعم از آزادی و اطاعت (الکریه، ۲۰۱۷) و نوع نظام سیاسی و اجتماعی. روند تاریخی تکوین رویارویی اسلام و غرب و نوع نگرش به سکولاریسم و مدرنیته، نشانگر سنتی پیچیده در بازانندیشی‌های فکری است و در این ساز و کار، مسائل بسیار مهمی که نتایج تئوریک و روشی دارند، مطرح شده است. این مهم در جدول شماره یک به اختصار آمده است.

جدول شماره یک: غرب/اسلام: منحنی تاریخی، نوزایش، سکولاریسم، مدرنیته (مقدمات (۱) در استخراج مولفه‌های اندیشگی)

گذار تاریخی غرب، اسلام و نوزایی (با تاکید بر متفکران عرب به‌ویژه تونس)

بازنگری در مسیحیت

تحولی در مبانی نظری الهیات (سکولاریزاسیون)^۱، بازنگری مسیحیت در مبانی فهم خود و نسبت میان دین و دنیا (یا شرع و عرف) و تلاش برای شناسایی اصالت و استقلال دنیا. علت بازنگری، به رسمیت نشناختن مکانی در بیرون ساحت «قدسانی الهیات مسیحی» (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۳۲۱).

قرائت نادرست امکان گذار تاریخی اسلام همانند غرب

برخی از متفکران عرب مانند ابویعرب مرزوقی، معتقد به گذار تاریخی اسلام هستند. جعیط تونس، معتقد به گذار هر دو حوزه فکری اسلام و غرب و عدم انتقال موفق اسلام در آزمون الثقافه الاسلامیه است (جعیط، ۲۰۰۱). وی با قرائتی لیبرال از دین در الوحی و القرآن و النبوه (۱۹۹۹) و نیز الفتنة: جدلیه الدین و السیاسه فی الاسلام المبکر^۲ (۲۰۰۸) و بخش‌هایی از آزمون الثقافه الاسلامیه^۳، معتقد است که فقدان گذار صحیح و منظم اسلام مشابه غرب به عدم پویایی بخشی در اسلام منجر شده است؛ لذا باید با ایجاد تناسب بین دین و لیبرالیسم، ضعف ارزش‌های لیبرالی را به علت گذار نامنظم اسلام، بیشتر مورد توجه داد، چرا که این ارزش‌ها بر اسلام اولویت دارند.

امکان طرح نوزایش، پروتستانیسم در اسلام/عرب

اعتقاد به نوزایش عربی/اسلامی، پاسخ‌های جریانی را به دنبال داشته است.

۱- جریان‌های مختلف مانند چپ‌گرای اسلامی (عزمی بشاره)، اصلاح‌گرای نو معتزلی (بلقزیر)، لیبرال اسلامی (جعیط) و... راه‌حل را در گذار دموکراتیک مدنی جستجو کرده‌اند.

۲- اسلام‌گراها یا سلفی‌ها در سه نگره اصلی پاسخ داده‌اند: الف- سلفی تندرو و بازگشت‌گرایی صرفاً به صدر اسلام و برآمدن دستگاه تئوریک - روشی رادیکال مانند المرزوقی، ب- سلفی میانه‌رو و بازگشت به اسلام، عمدتاً با تاکید بر صدر اسلام و میانه‌روی و گرایش به اصلاح‌گرایی دینی و میانه‌روی مانند رمضان، ج- چپ اسلامی و بازگشت مشابه غرب از سوی عزمی بشاره و امام عبدالفتاح و قرائت سکولار از اسلام.

1 - Secularization

۲ - فتنة، جدال دین و سیاست در صدر اسلام

۳ - بحران فرهنگ اسلامی

غرب/مدرنیته به مثابه پروبلماتیک^۱ جریان ساز در جهان اسلام

شرابی^۲، محقق وبری^۳ و چپ سکولار، در مقابل غرب، گروه‌های مختلف فکری در جهان اسلام را به چند دسته تقسیم می‌کند: نخست، سنت‌گرایان که محافظه‌کاران را نیز در بر می‌گیرد و دارای ساخت اندیشگی و روشی مطلق‌گرا بوده و مخالف کلیت غرب و خواهان رجوع به سلف باشکوه هستند. دوم، حد میانی؛ اصلاح‌طلبی (در وجه عام) که در میانه سنت و مدرنیته قرار دارد. متفکرانی چون طهطاوی، سیدجمال، عبده، عبدالله الندیم و رشیدرضا^۴، در راستای تجمیع سنت و مدرنیته، انتقاد آنها به گذشته با میزانی از تساهل و میانه‌روی و عدم انتقاد عمیق است و شناخت آنها از غرب نیز در سطحی میانه قرار دارد. سوم، نوگرایان که دو گرایش مسیحی و اسلامی را شامل می‌شود. مسیحیانی چون فارس الشدیاق و یعقوب صروف^۵، به‌عنوان اقلیت موثر (نقش بسیاری در حیات دانشگاهی و مدنی جهان عرب داشته) دارای دیدگاه‌های صریح و غیر دینی هستند ولی در فقدان ملاحظات سیاسی (حاکمان و جریان‌های اسلامی مخالف) و اجتماعی (فقدان پایگاه اجتماعی عمومی و محبوبیت در بین غیر مسلمانان، محافل روشنفکری، مدنی و دانشگاهیان) امکان و توان کافی برای نقد اسلام را ندارند (Sharabi, 1970).

حنفی برای برخورد درست با غرب و جلوگیری از سیطره - در وجه عام آن - سه جبهه را مطرح می‌کند: جایگاه ما نسبت به سنت قدیم، موضع‌گیری در مقابل سنت غربی و اتخاذ موضع‌گیری ما مقابل حال. حنفی پس از بیان لزوم بازسازی در همه مسائل (جبهه اول) و نحوه رویارویی و آسیب‌های آن (جبهه دوم) در جبهه سوم به دستورالعملی اندیشگی، جامعه‌شناختی با روش‌شناسی خاص اشاره دارد. با مطالعه جامع اندیشه غرب، غرب باید به موضوع مورد مطالعه جهان اسلام تبدیل شود، همان‌گونه که

1 - Problematic

۲ - متفکر معروف فلسطینی که بنیاد فرهنگی آمریکایی و گالری الیف و مرکز تحلیل فلسطین در واشینگتن دی.سی را تاسیس کرد و از بنیان مرکز مطالعات معاصر عرب در دانشگاه جرج تاون بود.

3 - Weber

۴ - البته حمید عنایت، دانشور ایرانی، عبدالله ندیم را در کنار شیخ حسن المرصفی، احمدلطفی السید و مصطفی کامل، در جریان وطن‌گرایان قرار داده است و سیدجمال، عبده و رشید رضا (در کنار عبدالرزاق و کواکبی) را جزء جریان «دین‌گرایان» قرار داده است. چنانچه آمده است، شرابی، کواکبی را در جریان نوگرایان (دنیاگرایان اسلامی) گنجانده است (عنایت، ۱۳۸۹).

۵ - برخی دیگر از روشنفکران این جریان عبارت هستند از: احمد جرجی زیدان، سلامه موسی، سلیم بستانی و ادیب اسحاق.

در دوره میانه، مسیحیان (از راه کسانی چون ابن سینا و فارابی) به شناخت اسلام رسیدند (حنفی، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰ الف، ۲۰۰۰ ب). لذا، اگر «غرب» به موضوع/سوژه مورد مطالعه تبدیل شود، به احتمال زیاد دیگر از انتقادات سنت‌گرایانه نصر، شرق‌شناسانه سعید و بازگشت‌های سلفی بومی‌گرایان/محلی‌گرایان خبری نخواهد بود.

عبدالله بلقزیز^۱، نومعتزل اصلاح‌گرای پرکار مراکشی، در بررسی متون معاصر و مدرن در تفکر اسلامی چهار پروبلماتیک مفهومی در رابطه با دولت (و بالتبع سیاست) را بازشناسی کرده است که عبارت هستند از: دولت - ملت در جریان اصلاح‌گرای اسلامی در نسل‌های اول و دوم، دولت - خلافت رشید رضا، دولت اسلامی متأثر از حسن‌البناء و بخش اصلی جریان اخوان‌المسلمین و دولت تئوکراتیک مطابق با دیدگاه مودودی، سیدقطب و روح‌الله خمینی. چهار گفتمان اصلی در تفکر اسلامی معاصر و مدرن متأثر از پروبلماتیک‌های ذکر شده عبارت هستند از: اصلاح‌گرایی، شرعی سلفی، اخوان‌المسلمین و تئوکراسی (خرده گفتمان‌های حاکمیت، ولایت فقیه و جهاد در دارالاسلام) (بلقزیز، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱). بلقزیز معتقد است که گسست مطلق لزوماً بین پروبلماتیک‌ها نیست و اشتراکاتی نیز بین آنها وجود دارد (مانند دولت اسلامی و اخوان).

به طور کلی، رویارویی غرب - مدرنیته در جهان اسلام/عرب، منجر به شکل‌گیری جریان‌های متعددی شده است که در زبانی ساده در جدول شماره دو آمده است:

جدول شماره دو: ساخت جریانی عام در پاسخ به پروبلماتیک غرب/مدرنیته (مقدمات (۲) در استخراج مولفه‌های ساخت جریانی)

پذیرش غرب منهای اسلام (سیاسی)	نسل اول روشنفکران لیبرالی، اصلاحی و دین‌گرایان
	سکولار و لیبرال (عام) طیف‌هایی از سوسیالیست‌ها و نسل متأخر جریان‌های غیر اسلام‌گرا (به جز گروه‌های عمده از جریان ملی‌گرا).
گزینش غرب و عناصر خاص اسلامی	قرائت سیاسی: نسل دوم و سوم روشنفکران اصلاح‌گرای دینی، وطن‌گرایان، ملی‌گرایان دینی/چپ‌گراها و لیبرال‌های اسلامی/سلفی‌های میانه‌رو. قرائت غیر سیاسی: (مخالفان اسلام‌گرایی): عمده ملی‌گرایان رادیکال، اصلاح‌طلبان تندرو و طیف‌هایی از چپ‌گرایان تندرو.

اسلام سیاسی دموکراتیک مدنی، الف: با قرائت تشکیل حکومت اسلامی و شرعی - سازی سیاست و تجلی آن در دو رویکرد مشروعه و مطلقه. ب: با قرائت عدم تشکیل حکومت اسلامی و شرعی سازی سیاست.	
قرائت سیاسی بازنگری رادیکال با ماهیت سیاسی (با تاکید بر یک دوره تاریخی، بدون شناخت ماهیتی آن) با رویکرد تهاجمی، الف: اعتقاد به قرائت سیاسی خلافت مانند ابن تیمیه، قیم جوزیه، سید قطب (با دو جریان نسبتاً مشابه)، ب: اعتقاد به قرائت عدم اعتقاد سیاسی به خلافت: عبدالرزاق. بازنگری معتدل: تاکید بر روند عام تاریخ اسلام و هویت ملی (جهان عرب/ هر یک از کشورها) و تجلی آن در دو قرائت معتقدان به خلافت و غیر آن.	سلفی (منهای غرب)
قرائت غیر سیاسی الف: بازگشت گراهای غیر سیاسی به قرائت دوره تاریخی صدر اسلام، از الالبانی تا سلفی های علمی / سکوت گرای تونس و اردن، ب: کل تاریخ از دوره باستان، تا کنون) با رویکرد توانایی همزیستی با دیگر جهان بینی ها	

روش شناسی

ترکیبی از موضوعات مرتبط با اندیشه سیاسی و جامعه شناسی در مصادیقی چون سنت، مدرنیته، اسلام، غرب، سیاست، دین و غیره، در کنار مقتضیات خاص اجتماعی و سیاسی جامعه تونس و پیچیدگی قواعد بازی سیاسی، ممکن است منجر به قضاوت های ناصحیح و «تک ساحتی» و ساده انگارانه در مورد جریان النهضه شود. به تعبیر اولیویه روآ، اسلامی کردن که همراه با موج اسلام گرایی بود، خویش را نسبت به همه پروژه های سیاسی و در فضایی مطرح کرده که در عمق آن با پروژه های اسلامی مانند تقاضای اجرای شریعت، در تناقض است» (روآ، ۱۳۹۳: ۲۲۴). در کنار تأثیر جهانی شدن و سنت اندیشه - ای که بر نظام های فکری تأثیر می گذارند، عوامل دیگر نیز تأثیرگذار هستند. به بیان حمید احمدی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در طول زمان و مکان نقش مهم تری را در شکل دادن به نوع اقدام جمعی ایفا می کنند و باعث می شوند تا تأثیر عناصر نظام عقیدتی - اسلامی تشدید یا تعدیل شوند

(احمدی، ۱۳۹۶: ۶۰-۶۱). در بخش مفهومی و روشی، بخشی از مسائل مهم در این زمینه که تبیین‌کننده کنش سیاسی و نوع روشی این جریان سیاسی است، مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

مبادی روشی: استخراج مولفه‌ها و عناصر تئوریک - روشی النهضة

در مطالب فوق، کلیات اندیشه‌ای و فلسفی اندیشه النهضة از جدال اسلام/عرب و غرب/مدرنیته و نتایج آن بر ایجاد جریان‌های متعدد در جهان اسلام/عرب، طرح شد. در ادامه جهت استخراج مبادی مصداقی، گزاره‌های مفهومی و روشی این جریان بر اساس الف: سنت فکری سنتی مربوط به این جریان (از اواخر قرن نوزدهم تا سال‌های مقدماتی تکوین جبهه النهضة) و ب: با عنایت با ماهیت چند لایه سنت فکری النهضة، به استخراج عناصر مشترک و تمایزبخش این جریان از پنج جریان حزبی - فکری جدید تونس (با عنایت به متفکران جدید) پرداخته شده است. در پایان چهار شاخص اصلی از مبادی مذکور فوق، استخراج شده و در فحوای متن، پرسش و فرضیه مربوط را با عنایت به آنها ارزیابی خواهیم کرد. در پایان بخش نیز، مهم‌ترین مصداق‌های رفتاری النهضة بر اساس شاخص‌های استخراجی آورده شده است.

النهضة؛ گذار از الهیات کلاسیک به پروپلماتیک اصلاحی؛ الزیتونیه و ترقی‌خواهان

بر خلاف ادعای کالینز که معتقد است هویت‌ها در کنار حفظ ماهیت مستقل‌شان، با گرایش به همبستگی با دیگران تلاش دارند تا بر آنها مسلط شوند (Collins, 1992: 25)، برخی از جریان‌های هویتی مانند النهضة به دلیل پیشبرد و تسریع بخشی در روند گذار دموکراتیک با دیگر بازیگران، تمایل به همبستگی داشته و ائتلاف‌ها را ایجاد می‌کنند. النهضة برای احیای سنت گران‌مایه الهیات کلاسیک اسلامی تلاش کرده بود اما نتوانست گرایشی که از مدت‌ها پیش در جامعه حاکم بود را کنترل کند. علی‌رغم تمام اشتراکات، گفتمان اسلام‌گرایانه پروژه النهضة را عملی نکرد؛ در عوض با مقایسه آن با آثار محمد عبده^۱ در مصر، عبدالحمید بن بادیس^۲ در الجزایر، علال الفاسی^۳ در مراکش، طاهر حداد^۴ در تونس و سایر متفکرانی که به دنبال آشتی دادن مدرنیته با کلام خدا بودند، عقب‌نشینی کرد (Addi, 2017: 240).

1 - Mohammed Abdu

2 - Abdelhamid Ben Badis

3 - Allal al- Fassi

4 - Tahar Haddad

زمینه تأسیس النهضه پیچیده‌تر از ورود ایدئولوژی حسن البنا^۱ به تونس از سوی راشد غنوشی است. جنبش گرایش اسلامی در ادامه به النهضه تبدیل شد. دو بنیانگذار اصلی النهضه، عبدالفتاح مورو^۲ و راشد غنوشی، هر دو فارغ‌التحصیل دانشگاه زیتونه^۳، اولین دانشگاه اسلامی در جهان عرب بودند^۴ (Ounissi, 2016: 1). در غیاب الهیات مدرن، اسلام‌گرایان میراث النهضه را به دست گرفته، شوریدگی و آرمان‌شهر را به آن اضافه کردند. توده‌های شهری نیز با بهره‌گیری از آرمان مذهبی هزاره‌ای، اسلام علما را که اهل سکوت و پاک دینی است، ضمیمه آن کردند. پیوستگی بین اسلام‌گرایی معاصر و النهضه توسط نظام آموزشی پسا استعماری که نسل‌های جدید را با فرهنگ مذهبی قرون وسطایی آموزش می‌داد، تضمین شده است. النهضه که سنخیتی با سکولاریزه کردن جامعه نداشت، توانست مفهوم کهن سلفی را احیاء کند که از گذشته یک پدیده آرمانی می‌سازد و مومنان را به دلیل دوری از کلام حقیقی خدا سرزنش می‌کند (Addi, 2017: 236). جنبش النهضه، تصوف را از ریشه‌های فلسفی‌اش محروم نکرد، اما خلاء بر جا مانده از آن توسط اسلام‌گرایی پُر شد. با اینکه مظاهر اجتماعی تصوف به تدریج اهمیت خود را از دست داده‌اند، بازنمایی صوفیان در فرهنگ دینی همچنان فعال مانده است (Addi, 2017: 234-235).

درک این موضوع بسیار مهم است که پدر معنوی عبدالفتاح مورو، شیخ حمد بن میلد^۵ زیتونی است، نه سید قطب^۶ که بسیاری ممکن است به اشتباه تصور کنند. بن میلد نقش کلیدی در جنبش آزادی‌بخش ملی تونس ایفا کرد. او به شدت درگیر مبارزه برای دولت جدید تونس و حامی نهادهای دولتی بود که بستر آن را تشکیل می‌دادند. تصویر معروفی از میلد به همراه گروهی از علمای زیتونه در مقابل ساختمان پارلمان وجود دارد که در رایزنی‌های قانون‌گذاری در زمان رژیم بورقیبه شرکت می‌کنند. در سال‌های اولیه جنبش، محافل مذهبی النهضه به تدریس و قضاوت‌های حقوقی شیخ طاهر بن آشور^۷ معطوف بودند. بن‌آشور، رئیس دانشگاه زیتونه و پیرو مکتب فقهی مالکی، یکی از پدران مدرن رویکرد

1 - Hassan El Banna's

2 - Abdelfattah Mourou

3 - Zaytouna

۴ - در سال ۷۳۷ تأسیس شد و به دلیل پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه شهرت پیدا کرد (Ounissi, 2016: 1).

5 - Sheikh Hmed Ben Miled

6 - Sayyid Qutb

7 - Sheikh Tahar Ben Achour's

عقل‌گرایانه‌تر به تفسیر قرآن بود که بر اهمیت مقاصد شریعت، به عبارت دیگر اهداف یا غایات به جای ابزار شریعت اسلامی، تأکید داشت. او که دشمن سرسخت سنت‌گرایان بود، در سال ۱۹۶۰ از دانشگاه اخراج شد (Ounissi, 2016: 1)؛ هدف انکار تأثیر متفکرانی مانند اندیشه‌های حسن البنا نیست که ایده‌هایشان فراتر از مرزهایشان بوده است، حتی می‌توان تا آنجا پیش رفت که گفت نسل بنیانگذار النهضة فرزندان نامشروع بورقیه^۱ بودند، تا آنجا که آنها ایده مبارزه برای استقلال ملی، ضرورت رنسانس اجتماعی و اهمیت ابزارهای حکومتی مدرن را پذیرفتند (Ounissi, 2016:2).

اولین تجربه سازمانی جنبش اسلامی تونس در سال ۱۹۷۲ آغاز شد. در این سال نشستی برگزار شد که در آن ۴۰ تن شرکت داشتند که بعدها به نشست «اربعین» موسوم شد. این نشست در حکم کنفرانس تاسیس جنبش اتجاه اسلامی بود و رهبرانی از آن بیرون آمدند که عبارت بودند از: راشد الغنوشی (دبیرکل)، احمیده نیفر (جانشین وی) و صالح کرکر به‌عنوان معاون جانشین دبیر کل (علانی، ۱۳۹۳: ۲۰۴). اهمیت کار اسلام‌گرایان ترقی‌خواه در سه نکته مهم نهفته است؛ نخست، انتقاد به جمود فکری و عقیدتی برخی جریان‌های اسلامی سنت‌گرا و نیز رادیکال که تفسیری ایستا از دین و سیاست ارائه می‌دهند. دوم، نقد پایه‌های ایدئولوژیکی جریان النهضة؛ یعنی مبادی فکری اخوان‌المسلمین و انتقاد جدی به آنها و تلاش برای راهی روشن‌گرایانه بدون آسیب‌های نمونه مصری و سوم، لزوم بازاندیشی در مسائل موجود سیاسی و قرائتی نو بر پایه فهم اسلامی و مقتضیات نو پدید.

جدول شماره سه: منابع فکری و سیاسی النهضه در میانه ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ (مقدمات (۳) در استخراج منابع فکری)

جریان	منابع فکری - سیاسی	مشخصه
مجله مسلمان معاصر	از سوی جریان اسلامی در المعرفه چاپ می- شد و دکتر جمال الدین عطیه عضو سابق اخوان بر آن نظارت داشت.	روحیه انتقادی در قبال سازمان‌گرایی و کار تشکیلاتی داشت و آکنده از مقالاتی بود که تمرکز از منظومه اخوانی را در دستور کار خود داشت. طرح مشاجرات و مناقشات مهم از سوی «فتحی عثمان» روشنفکر اسلامی برای ابداع «چپ اسلامی» و پیشنهاد شعار برای تریبون رسانه‌ای جدید.
مجله کویته العربی	مقاله‌های انتقادی فهمی هویدی	طرح مسائل فکری و تشکیلاتی گریبانگیر محافل اسلامی
کتاب‌های اسلام و انقلاب و حکومت دینی	نوشته‌های انتقادی اولیه محمد عماره و بازنگری در اندیشه و تاریخ سیاسی اسلامی	تلاش برای اعتبار بخشی به چهره‌های حیات دینی
کتاب تجدید اندیشه دینی در اسلام	نوشته متفکر بزرگ، محمد اقبال در زمینه اندیشه اسلامی نوین	پرداخت نو به روح فرهنگ اسلامی و مفهوم ختم نبوت به مثابه اعلام برداشتن وصایت از عقل و شروع دوره انسان عقلی که وارث تلاش پیامبران برای اصلاح و پیشرفت بشری است.
مجله چپ اسلامی	که شماره اول و آخر آن را متفکر معروف جهان عرب یعنی حسن حنفی منتشر کرد.	پیگیری افکار حسن حنفی
ترقی خواهان شیعی	-ترجمه برخی متون «جنبش مجاهدین خلق» با وجود انحراف از آراء شریعتی. -آثار شریعتی مانند روشنفکر و مسئولیت او در جامعه، بازگشت به خویشتن، خودآگاهی و استحمار، فلسفه شهادت و فلسفه دعا، کتاب چنین گفت شریعتی نوشته فاضل رسول و برخی نوشته‌های ترجمه شده آیت‌الله طالقانی. -اندیشه‌های جریان لیبرال شیعه با نحله‌های مختلف، از «بنی صدر» تا «بازرگان».	تبلور گفتمان ایدئولوژیکی و انقلابی. تبلور اندیشه شریعتی در ترکیب روش- های علوم انسانی، ترقی‌خواهی و آراء چپ در تحلیل و هماهنگی با روح فرهنگ اسلامی

منبع: (اقتباس از جلیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۹-۱۹۲)

بسیاری از رهبران النهضه مانند خود راشد غنوشی، نیز در بازپروری دانشمند جنجالی طاهر حداد^۱ در برابر عقب‌نشینی سنت‌گرایان به عقاید او شرکت کردند؛ حداد کتاب زنان در شریعت و جامعه^۲ را علیه جناح‌های علمی محافظه‌کارتر زیتونه نوشت. او همچنین دارای مواضع مترقی سیاسی در اتحادیه‌های کارگری و رفاه اجتماعی بود. این افراد تنها برخی از چهره‌هایی هستند که رویکرد مترقی و عقل‌گرای مشخص تونس را نسبت به متون مقدس شکل دادند و زمینه مساعدی را برای حبیب بورقبیه فراهم کردند تا با نوسازی قوانین دولتی، به‌ویژه در مورد قوانین اجتماعی و شخصی، پیش برود (Ounissi, 2016: 2). به بیان دیگر، اسلام‌گرایان تونس اکنون ترجیح می‌دهند دموکرات‌های مسلمان خوانده شوند. آنها امیدوارکننده‌ترین پیشینه را از نظر تعهد به ارزش‌ها و عملکردهای لیبرال دموکراسی دارند. آنها نقش مهمی در گذار تونس به دموکراسی در طول بهار عربی داشته‌اند و همچنان نقش اساسی در پیشبرد تحکیم دموکراتیک ایفا می‌کنند. با این حال، همانطور که نتایج انتخابات نشان داده است که جذابیت انتخاباتی آنها کاهش یافته، ولی این موضوع ارتباط کمتری با عملکرد آنها در قدرت دارد و بیشتر به شرایط اقتصادی وخیم امروزی تونس مربوط می‌شود (Hashemi, 2021: 5).

النهضة و خطوط منقطع^۳ متفکران سیاسی متأخر رقیب

رفتار سیاسی جریان النهضه به‌عنوان گفتمانی «چند رگه» و قرائتی مدنی و دموکراتیک از سیاست اسلامی، هرچند بر مبنای سنت فکری این جریان بنا گرفته است، اما به علت وجود سه رویکرد میانه، رادیکال و سطحی در این گفتمان، دارای خطوط مشترک و منقطعی - یکدیگر را در نقاط مشترک به هم وصل می‌کند - با دیگر متفکران اسلامی چپ و لیبرال و نیز اسلامی سلفی جهادی است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که تئوری و روش سیاسی گفتمان النهضه مبنی بر همراهی و هم‌صدایی با جریان‌های مختلف دیگر به منزله اشتراکات روشی و تئوریک است. دو قاعده احترام به قواعد بازی دموکراتیک و تلاش برای پیدا کردن زمینه‌های مشترک و منقطع همکاری، منجر به اهمیت این موضوع است. در واقع با فهم این موضوع برخی از انتقادات نا‌موجه از سوی طیف‌هایی از اسلام‌گراها، سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها مبنی بر فقدان انسجام روشی بین گزاره‌های معنابخش این گفتمان و متهم

1 - Tahar Haddad

2 - Women in Shari'a and Society

۳ - در برابر متراکم، به معنای خطوطی که یکدیگر را در وجوه مشترک قطع می‌کنند.

کردن به استفاده ابزاری از ارزش‌های «اسلام»، «سوسیالیسم»، «لیبرالیسم» و «اصلاح‌گرایی» مشخص می‌شود.

جدول شماره چهار: اشتراکات و تمایزات اندیشگی - روشی با النهضه (مقدمات در استخراج مولفه‌ها،

مقدمات (۴) در استخراج مولفه‌های سیاسی - روشی)

متفکران عربی
جریان سیاسی: چپ سکولار تمایزات چپ‌های سکولار و النهضه: اهمیت اسلام در سطح تاریخی و ماهیتی اجتناب‌ناپذیر، تاکید سمیر امین بر اهمیت عناصر اقتصادی به‌ویژه در چپ نو در جامعه و ترجیح آن بر سیاست (امین، ۲۰۱۲). عزمی بشاره^۱ بر ساخت دموکراسی بر پایه مولفه‌های چپ و عنصر «برابری» و نهادینه کردن آن در زندگی امروز عرب‌ها توجه دارد (بشاره، ۲۰۰۸). فتحی تریکی بر دموکراسی، گفتگو و افزایش مشارکت/کثرت‌گرایی، تنوع‌بخشی و ضدیت با استبداد و قرائت ناشی از آن (تریکی، ۱۹۸۸) و حل معمای مدرنیته بر اساس روند گفتگو و گذار تدریجی توجه دارد (تریکی، ۱۹۹۲). اشتراکات چپ‌های سکولار و النهضه: سمیر بر ارزش‌های دموکراتیک و همسویی نظام فکری با الغنوشی، در رابطه مستقیم استبداد سیاسی و جایگاه دموکراسی توجه دارد (امام، ۱۹۹۴). امین بر اهمیت گذار و انتقال تدریجی به دموکراسی، بر گذار موفق توسعه در تشکیل جبهه دموکراتیک بر پایه آزادی بیان و قانون (امین، ۲۰۱۲) توجه دارد. عبدالفتاح به اهمیت دموکراسی و مشکلات توسعه با نگاه فلسفه و اندیشگی / مقابله با استبداد سیاسی از طریق نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک به شکل تدریجی پرداخته است (امام، ۱۹۹۴).
اصلاح‌گرایان نو معتزلی
تمایزات اصلاح‌گرایان نو معتزلی و النهضه: عبدالله بلقزیز^۲: لزوم دستیابی جهان عرب و هر یک از کشورها به الگوی فکری و سیاسی / تلاش‌های مستمر در طرح مسائل انتقادی - به‌ویژه به نخبگان فکری و سیاسی - و روشنگری جهت گذار جهان عرب (بلقزیز، ۲۰۰۷). ارکون^۳: اهمیت سنت در مفصل‌بندی نظام فکری (در جهت نقد اندیشه اسلامی)، تفسیر سنت بر مبنای روایت مذهبی [ولی موثر در قدرت و سیاست]، مقدس و پیچیده دیگر سنت‌ها (قدیمی - گروه‌های پیش از اسلام - و طبقات جدید) (ارکون، ۱۹۸۶) / نگاه خاص به قرآن، و تاریخی دانستن آن، انتقاد به کارکرد غیر عقلانی مدعیان سنتی اسلام به‌ویژه فقها (تجلی سنت منسوخ)

۱ - از بانیان مرکز تحقیقات علوم اجتماعی کاربردی در حيفا و از بزرگ‌ترین روشنفکران چپ سکولار.

2 - Abdal-Il Balqaziz

۳ - میراث‌دار مکتب آنال در جهان عرب.

اشتراکات اصلاح‌گرایان نومعتزلی با النهضة:

بلقزیز: تاکید بر توسعه مدنی و ارزش‌های دموکراتیک و نقش سنت و مدرنیته و میراث آن / اهمیت نقش آزادی، دموکراسی، قانون، طبقات متوسط و... در جامعه مدنی (بلقزیز، ۲۰۰۷). نیازمندی شدید جهان عرب به دموکراسی و ناسیونالیسم ملی و وحدت جهان عرب و مشکلاتی چون جهانی شدن، مدرنیته و دشمنان آن، کنشگران سنتی (حاکمان و گروه‌های دینی غیر مدنی) غیر معتقد به باورهای دموکراتیک و ضعف جامعه مدنی (علل رشد افراط‌گرایی) (بلقزیز، ۲۰۰۰)، (بلقزیز، ۲۰۰۷).

ارکون: تاکید بر نقش گفتمان اسلامی سنتی - به واسطه غیر مستقیم صیغه‌های الهیاتی - اسطوره‌ای - گسترش یافته و به دنبال حذف و از بین بردن دیگر گفتمان‌ها - که در غرب بستر تمدن‌های نوین هستند - (ارکون، ۱۳۹۸: ۱۸۹). تاکید بر دموکراسی و رفع پیش‌نیازهای مقدماتی آن (گذار دموکراتیک تدریجی) / نقش اومانیسم اسلامی - با ایرادات روشی - و نگره انسان‌گرا (علمی در برابر دینی) و تفکیک حوزه‌های فلسفی و تلاش برای جانشینی بینش عقلانی به جای دینی - انتزاعی و حماسی به جهت تقویت مفهوم تاریخ‌مندی فعل بشر (ارکون، ۱۳۹۴: ۵۵۱-۵۶۱) (با تسامح).

سلفی اعتدال‌گرا

تمایزات سلفی اعتدال‌گرا (طارق رمضان)^۱ و النهضة: تفاوت در پذیرش ایده سکولاریسم و پلورالیسم و سوق یافتن به سمت تمایزبخشی بین اصول دین (لازم‌الاجرا و ضروری) و فقه و مسائل غیر از اصول (غیر الزامی) و خوانش مقدس و غیر مقدس جهت پویایی اسلام در ارائه پاسخ‌های لازم و نوآوری در شرایط پیچیده و هجوم‌آور مدرنیته (رمضان، ۲۰۰۵). توجه به مصادیق تأثیرگذار تمدن غربی به‌عنوان سازش، در کنار اصول دین به مثابه بنیان‌های اخلاقی، پویایی‌بخشی به تفکر اسلامی برای پاسخ به مدرنیته.

اشتراکات رمضان و النهضة: تاکید بر ژانوس و آشکار دین و سیاست؛ حوزه دین در کلیات اساسی (اصول) به مثابه مقدسات و حوزه سیاست در مصادیق مختلف و عام به مثابه غیر مقدسات/ توانایی بسیار در قرائت آکادمیک اندیشه اسلامی و فعالیت‌های بی‌شمار در این زمینه، سنخیت اسلام و مفاهیمی چون آزادی و سکولاریسم، توجه به پویایی دین اسلام و لزوم بازنگری مکرر - با حفظ استخوان‌بندی در تعبیر روشی لاکاتوش - در مفروضات و گزاره‌ها برای پاسخ به مسائل نو ظهور، جایگاه انکارناپذیر سه حوزه مکمل: لزوم گذار دموکراتیک تدریجی همه جانبه، پاسخگویی به معمای سنت و مدرنیته و نهادینه شدن اصول «اصلاح» و «تغییر» در ساز و کارهای سیاسی (اقتباس از Ramadan, 2012)، (رمضان، ۲۰۰۹).

چپ‌گرایان اسلامی

تمایزات حنفی در قیاس با النهضة: تاکید حنفی بر توانایی اسلام در تلفیق دموکراسی و قانون (نه بر مبنای قرائت اسلام‌گراها، بر طبق قرائت مدنی) و اولویت دموکراسی در تناقض‌های ممکن، بیانگر تفاوت با النهضة است. همچنین،

دیدگاه حنفی مبنی بر قرارگرفتن اسلام و سوسیالیسم در یک سنت فکری، اسلام، دین و تجلی راستین سوسیالیسم نیز تمایز دیگری است.

تشابهات حنفی و النهضه: بخشی از شباهت‌های این دو عبارت هستند از: توجه به تمایزات بین دو ساخت فکری مختلف غرب و اسلام/ تأکید بر چهار مولفه اصلی مورد حمایت حنفی عبارت هستند از: «ناصر»، «اسلام»، «سوسیالیسم»، «دموکراسی» [در مقابل توجه النهضه به دموکراسی، اسلام و برخی مولفه‌های سوسیالیسم و البته احترام رهبران آن برای ناصر] و نیز توجه به گذار دموکراتیک و نقش اصلاحات تدریجی. باور حنفی و به میزان بسیاری النهضه در مورد اسلام و دموکراسی، این است که میزان ساخت عقلی در اسلام به گونه‌ای است که پذیرای اسلام باشد؛ از طرفی، اسلام به مثابه جهان‌بینی عقل‌گرا و آزاد، نگاهی باز به درهای تجدد و پیشرفت دارد.

اسلام‌گرایان لیبرالی

تمایزات اسلام‌گرایان لیبرال و النهضه

توجه به فقدان گذار غربی در نظم تاریخی اسلامی و عربی - در آزمه الثقافه الاسلامیه^۱ - (جعیت، ۲۰۰۱)، ارتباط چالش‌های امروز عرب به فقدان آزادی و استبداد تاریخی، نقش فقها و پیشوایان دینی، فقدان طبقات میانی [در فقدان اصل مالکیت] و عدم نهادینه شدن عرف و فقدان اصل نمایندگی (جعیت، ۲۰۰۸) و (جعیت، ۲۰۰۱)/ قرائت لیبرالی دین و تأکید بر گزاره‌های مشترک (نبوت، قرآن، وحی، آزادی، سکولاریسم و دموکراسی) (همان) و (جعیت، ۱۹۹۹)، انکار سنت و بازآفرینی اسلام به مثابه جهان‌بینی پویا بر مبنای متن مقدس و انتقاد به سنت‌های تاریخی الحاقی به مرز فکری اسلامی (الطالبی، ۱۹۹۲).

اشتراکات اسلام‌گرایان لیبرال و النهضه

جعیت: و فقدان گذار مدرنیته در نظم تاریخی اسلامی و عربی (جعیت، ۲۰۰۱) / تناسب بین دین و لیبرالیسم/ اولویت ارزش‌های لیبرال - در الوحی و القرآن و النبوه (۱۹۹۹) و نیز الفتنة: جدلیه الدین و السیاسه فی الاسلام المبکر^۲ (۲۰۰۸) و بخش‌های مختلفی از آزمه الثقافه الاسلامیه و اهمیت به نقش دین به عنوان هویتی اجتناب‌ناپذیر ولی با امکان ایجاد تحول و پویایی مدنی در آن (جعیت، ۱۹۹۹) و (جعیت، ۲۰۰۸).

الطالبی: قرائت ژانوسی از دین و سیاست؛ انتقاد به قانون‌های برآمده از سنت (قوانین راستین در متن مقدس هستند) / نقد فقها در جوانب مختلف: افزودن قانون غیر همسو با جهان‌بینی، استبداد و تمامیت‌خواهی (الطالبی، ۱۹۹۲). تفسیر اسلام بر طبق نگاهی جدید با عنایت به «اصلاح»/ انتقاد صریح از رادیکالیسم اسلامی.

جمال‌البنّا: توان اسلام در پاسخگویی به چالش‌های امروز، نه بر طبق تعبیر فقها، مخالفت با سنت کوتاه‌فکران سلفی برای گذار از چالش‌های امروز و سوق یافتن آن به استبداد، کثرت‌گرایی و امکان کاریست مفاهیم کنونی در آن اعم

۱ - بحران فرهنگ اسلامی.

۲ - فتنة، جدال دین و سیاست در صدر اسلام.

از آزادی، قانون و بایسته‌های زندگی (البنّا، ۲۰۰۷) / تأکید بر روش‌شناسی خاص اسلام و تأثیر مولفه‌های آن در زندگی افراد و سیاست.

در نهایت، عناصر و گزاره‌های سازنده مدل مفهومی و تئوریک پژوهش ذکر می‌شود. استخراج گزاره‌های زیر بر اساس چند مولفه مهم صورت گرفته است. نخست تلاش شده است گزاره‌ها و مولفه‌هایی استخراج شود که پیامد و نتیجه بیشتری در بحث غرب/اسلام و سنت/مدرنیته داشته‌اند. دوم، با عنایت به «سوژه» پژوهشی تلاش شد تا پاسخ‌های جریانی کلان به پروبلماتیک مدرنیته، نتایج مقایسه بین النهضة و احزاب دیگر تونس نیز مورد اعتنا قرار بگیرد. سوم، به‌عنوان جریانی مستقل با بررسی روند سنت‌ها و اندیشه‌های فکری - تاریخی در شکل‌گیری ساخت معنایی جریان النهضة، به مولفه‌های مهم در تحول این جریان توجه شد. برای نمونه، در تحول و تغییر از سنت زیتونی و اخوانی، نقش مولفه ژانوس دین و سیاست اهمیت بسیاری دارد که در موارد پیشین نیز نقش مهمی را داشته است.

جدول شماره ۵: عناصر و گزاره‌های سازنده مدل مفهومی و تئوریک پژوهش (نتایج مقدمات

چهارگانه)

ژانوس دین و سیاست، قرائت سکولاریسم بر مبنای فهم تاریخی خاص / تفکیک حوزه دین و سیاست
دموکراسی به مثابه هدف؛ اجماع دین و سیاست (گذار دموکراتیک)
قرائت دموکراتیک بلم مدنی، مقابله با استبداد و اقتدار غیر قانونی
میانه‌روی و پرهیز از خشونت و افراط‌گرایی

منبع: یافته‌های نگارندگان

النهضة؛ تحول دموکراتیک یا عدول از اسلام‌گرایی

بر پایه مباحث اندیشگی فوق که تا حدی نظام اندیشگی و فکری النهضة را نیز مورد توجه قرار داده است، در ادامه مولفه‌ها و گزاره‌های استخراجی مورد بحث قرار خواهند گرفت. هر چند به علت ماهیت چند لایه و پیچیده و اندیشگی موضوع، بخش‌هایی از آنها در ذیل یک بحث و یا پیگیری آنها در بخش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا در ادامه گزاره‌ها مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت و در نهایت در جدول پایانی مصادیق آنها جداگانه و موردی ذکر شده است.

ژانوس دین و سیاست

سخنان صریح الغنوشی نوع نگرش النهضة را در ارتباط با دین و سیاست آشکار می‌کند. الغنوشی در مصاحبه با لوموند و در دهمین گردهمایی سراسری النهضة در استادیوم «رادس» در ۱۹ مه ۲۰۱۶ با

اشاره به نقش اسلام در تمام جنبه‌های زندگی و ماهیت ارزش‌های دینی و نقش اساسی مذهب در مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی در تونس، بیان داشت: «این حزب عبارت «اسلام سیاسی» را از پسوند خود حذف خواهد کرد. ما مسلمانان دموکرات هستیم که دیگر ادعایی نسبت به اسلام سیاسی ندارد. این تغییر بازتاب‌گذار موفقیت‌آمیز و دموکراتیک در تونس است. النهضه حزب سیاسی، دموکراتیک و مدنی بر اساس ارزش‌های تمدن اسلام و ارزش‌های تمدن مدرن است. این مبنا در قانون اساسی سال ۲۰۱۴ اعلام شد که این برداشت تلفیقی دوگانه از مدرنیته دو هویت را نشان می‌دهد. ما در حال حرکت به سمت حزبی هستیم که تنها در فعالیت‌های سیاسی تخصص دارد. ما باید تمایز میان فعالیت‌های سیاسی و فعالیت‌های مذهبی را مشخص کنیم. محل فعالیت‌های سیاسی در مسجد نیست. مسجد محل گردهم آمدن مردم است، بنابراین دلیلی ندارد تا از مسجد برای فعالیت‌های فلان حزب استفاده کنیم. ما می‌خواهیم دین منشأ اتحاد برای تونسی‌ها باشد نه تفرقه؛ به همین دلیل ما نه خواهان خطیب در مسجد هستیم و نه خواهان اینکه آن خطیب از یک حزب سیاسی باشد. ما حزبی می‌خواهیم که در مورد موضوعات روزمره بحث کند، در مورد مشکلات خانواده‌ها صحبت کند، نه حزبی که در مورد روز قیامت، بهشت و... به مجادله می‌پردازد. می‌خواهیم کاملاً فعالیت سیاسی‌مان از فعالیت دینی‌مان جدا باشد، این برای سیاست هم خوب است زیرا در این حالت سیاست متهم به دستکاری در دین به علل سیاسی نمی‌شود» (Ghannouchi, 2016).

در دهه دوم قرن بیست و یکم، پذیرش سکولاریسم از سوی النهضه [با عنایت به سنت فکری و مقتضیات خاص و تعدیلاتی] مورد پذیرش قرار گرفت (Netterstrom, 2015)؛ در حالی که بسیاری از مردم، النهضه را یک حزب سیاسی می‌دانند و از این رو تجربه آن را در دوره انتقالی به‌عنوان یک موفقیت ارزیابی می‌کنند، برخی دیگر آن را یک جنبش مذهبی تلقی کرده و بنابراین فکر می‌کنند که در حفظ اصول اسلام [به نوعی] شکست خورده است. از آنجایی که النهضه هم یک حزب سیاسی و هم یک جنبش مذهبی است، هر دو ارزیابی باید مورد توجه قرار گیرند و در واقع نتوانسته توازنی درست بین فعالیت‌های سیاسی و مذهبی خود حفظ کند (Fahmi & Meddeb, 2015: 12). با این حال، این موفقیت سیاسی با هزینه‌ای همراه بود که اغلب نادیده گرفته شده است. موقعیت النهضه در حوزه مذهبی در درجه نخست، با سازش‌های سیاسی که در جریان تدوین و نگارش جدید قانون اساسی در مورد مسائل شرعی انجام داد، به وجهه آن نزد جوانان محافظه‌کار مذهبی آسیب وارد کرد. در این ارتباط یکی از جوانان سلفی پرسید: «پس اگر نتوانند یک ماده شرعی را به قانون اساسی اضافه کنند، النهضه

چیست؟» پیرمرد دیگری که در رژیم قدیم بیش از ده سال را در زندان گذرانده بود، پرسید: «چرا ما به زندان رفتیم اگر سرانجام این است که النهضة در زمان قدرت نیز نمی‌تواند از اصول دینی خود دفاع کند؟». دوم، النهضة توجه چندانی به فعالیت‌های مذهبی نداشته و بر مبارزات سیاسی تمرکز داشت. اگرچه چهره‌های النهضة مانند صادق شورو^۱ و حبیب الیوز^۲ در فعالیت‌های مذهبی خصوصی شرکت داشتند ولی جنبش در دستور راهبردی و سیاسی، فاقد پروژه‌ای مذهبی بود (Fahmi & Meddeb, 2015: 12).

در میانه قرائت دموکراتیک النهضة در سیاست، تحت تأثیر جدال‌های تئوریک با سلفی‌ها و رقبای غیر اسلام‌گرا، مشکلاتی بر سر راه این جریان در این زمینه وجود دارد که در سطح سیاسی برخی از آنها عبارت هستند از: رسیدگی به نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی جوانان، تقویت شمول و دایره سیاسی جنبش سلفی، مسئولیت‌پذیری، تنوع‌بخشی در حوزه مذهبی، جداسازی و تمایز فعالیت‌های مذهبی و سیاسی و نتایج آن بر پایگاه اجتماعی به‌ویژه در طبقات مذهبی‌تر، ممانعت از انشعابات و تجزیه شدید حزبی (به‌ویژه پس از تحولات ۲۰۲۰)^۳.

قرائت دموکراتیک اسلامی و گسست از سلفی‌ها

در حالی که جهادگران سلفی بر موعظه، ارشاد [دینی و اخلاقی] و فعالیت‌های خیریه متمرکز بودند و تلاش داشتند تا نسل جوان را جذب کنند و کنترل مساجد در حومه شهر و سایر مناطق حاشیه‌نشین را به دست گیرند، النهضة ماهیت مذهبی خود را نادیده گرفت و موقعیت خود را به‌عنوان یک نیروی سیاسی تثبیت کرد؛ اما پس از پیروزی در انتخابات اکتبر ۲۰۱۱ در مجلس مؤسسان تونس^۴، النهضة مجبور شد با چالش سلفی - جهادی، که عمدتاً توسط انصارالشریعه تجسم یافته بود، مواجه شود (Fahmi & Meddeb, 2015: 13). سلفی‌ها فارغ از اینکه مشروعیت دخالت در سیاست رسمی را به رسمیت می‌شناختند، تلاش داشتند به النهضة نزدیک‌تر شوند، در این راستا غنوشی در کنگره موسس جبهه اصلاح شرکت کرد؛ در دو گردهمایی رسمی انصارالشریعه، به همراه الصادق شورو و حبیب

1 - Sadek Chourou

2 - Habib Ellouz

۳ - جریان جدا شده از النهضة، حزب کرامه است و می‌توان آنها را حد فاصل انصارالشریعه و النهضة دانست.

4 - Tunisian Constituent Assembly

الیوز^۱، اعضای دیگر حزب شرکت کردند. همکاری مشترک در فعالیتهای مختلف مانند تظاهرات، جلسات سیاسی، گردهماییهای انصارالشریعه و کنفرانسهای مذهبی، درک رابطه نزدیک بین سلفیها و النهضه را تقویت کرد. برای نمونه، در تظاهرات بزرگ ۱۶ مارس ۲۰۱۲، فهرستی از بازیگران مختلف اسلامگرا به نمایش گذاشته شد: سلفیهای سیاسی جبههالاصلاح، اعضای النهضه، از جمله نمایندگان مجلس صحنی عتیق^۲ و حبیب الیوز، نمایندگان از جبهه انجمنهای اسلامی تونس^۳ و سلفیهای ساکتگرا [یا علمی] (Zouaghi, & Cavatorta, 2018: 19).

سه دلیل عمده برای عدم پذیرش این ایده که النهضه و سلفیها در مخالفت با سکولارها جبهه متحد اسلامی را پدید آورند، وجود دارد: نخست، اهمیت و حفظ موجودیت سیاسی سازمان النهضه برای اکثریت قریب به اتفاق تصمیمگیرندگان درون حزبی و توفیق در انتقال به دموکراسی، تنها راه [و انتخاب ممکن] برای تضمین آن بود (بهویژه پس از کودتای نظامی مصر). همانطور که پژوهش نترستروم^۴ نشانگر نقش رهبران النهضه در چگونگی متقاعد شدن دیگر اعضای حزب برای حذف شریعت در قانون اساسی جدید است. دوم، میانه‌روتر شدن به واسطه تغییر ایدئولوژیکی که در طول چند دهه در حزب پدید آمده بود و اولویت، تضمین انتقال تدریجی و طولانی از رژیم بن علی بود. هر چند قدرت نسبی سلفیها می‌توانست برای فشار بر احزاب دیگر در جریان مذاکرات بر سر متن قانون اساسی جدید مورد استفاده قرار بگیرد، اما پابندی به قانون اساسی بیش از انتقال موفق به دموکراسی (با حزب به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی)، اولویت داشت. در واقع دستور کار سلفی افراطی [منظور جریان انصارالشریعه] و اولویتها و گرایشهای النهضه به حکومت‌داری را می‌توان [به نوع فعالیت و] در مشارکت آنها در ائتلاف بزرگ با حزب سکولار ندا تونس^۵ پس از انتخابات ۲۰۱۴ (علی‌رغم هزینه‌های احتمالی برای النهضه) مشاهده کرد. سوم، النهضه نماینده یک طبقه اجتماعی بود که علاقه بسیار کمی به تغییرات رادیکال و انقلابی در مورد مسائل اجتماعی - اقتصادی داشتند (Merone, 2014).

۱ - همچنین، این دو در کنفرانسی با حضور محمد حسن، واعظ جنجالی مصری حضور داشتند (Zouaghi, & Cavatorta, 2018: 19).

2 - Sahbi Atig

3 - Tunisian Front of Islamic Associations

4 - Netter Strom

5 - Secular Nidaa Tunes Party

علی‌رغم برخی اقدامات النهضة [به‌ویژه در سال‌های ابتدایی به قدرت رسیدن]، پیامدهای مثبتی در سیستم سیاسی تونس و کمک به کاهش دو قطبی شدن بین اسلام‌گرایان و لائیک‌ها، برای ثبات داشته است. با این وجود، آنها از انجمن‌ها و گروه‌های سلفی برای ابراز نارضایتی‌های مشروع از طریق گفتمان و اقدامات رادیکال در چارچوب قانونی روشن جلوگیری کردند (Merone, 2017). سخنان الغنوشی در ۱۹ مه ۲۰۱۶، قطعی‌ترین پایان رسمی با تندروی اسلامی بود؛ وی بیان کرد: «من الان در برابر شما می‌گویم که تونسی بودن من والاتر و مهم‌تر از هر چیزی برای من است، نمی‌خواهم تونس، لیبی همسایه یا عراق باشد. می‌خواهم تونس کشوری باشد که بتواند از فرزندان خود با همه جریان‌ها و رنگ‌های سیاسی‌اش حمایت کند. من اکنون با صدای غرا اعلام می‌کنم که مسیر شما اشتباه است و منجر به ایجاد مشکلاتی برای کل منطقه می‌شود، شما چشمانتان را به روی واقعیت بسته‌اید و نشان داده‌اید که آرزوها و توهماتی دارید و حساب ملت و ارزش‌های آن را نادیده گرفته‌اید. من به شما در مصر، سوریه و یمن هشدار داده بودم، اما از زندگی هیچ‌کس دفاع نکردید. من الان سربازی برای دفاع از سرزمین تونس هستم و اجازه نمی‌دهم که تروریسم با هر عنوانی که داشته باشد وطن مرا هدف قرار دهد، چرا که سرنگونی میهن به معنای سرنگونی من است... متأسفانه ثابت کردید که نیرنگتان فاش شده است و با گروه‌های تروریستی هم‌پیمان شده‌اید تا میهنتان را ویران کنید» (Ghannouchi, 2016).

النهضة؛ تحول دموکراتیک

منحنی و سیره رفتاری النهضة در مقابل منتقدان، اپوزیسیون‌ها و اقلیت‌ها به میزان بسیاری نشانگر پرهیز از تفاسیر فقهی سختگیرانه است. یکی از دلایل انفکاک آنها از انصار الشریعه، در نوع نگاه متفاوت به «جهاد در اسلام» (ر.ک، صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷) و مصادیق مرتبط با آن بود، در شرایطی که پیشوایانی چون مودودی^۱ معتقد بودند که حاکمیت بشر و نظام‌های سیاسی برآمده از آن (سکولاریسم، دموکراسی و ناسیونالیسم) باطل هستند^۲ (شحرور، ۱۳۹۹: ۵۱)؛ علاقه الغنوشی به وی، منجر به حمایت از خوانش پرانسداد وی نشد. در حقیقت، هر سه دشمن مودودی، جزو آرمان‌های سیاسی الغنوشی برای آینده تونس شده‌اند.

1 - Maududi

۲ - در سوی دیگر کسانی نیز مانند قاضی محمد سعید العشماوی به دنبال شالوده‌شکنی در مبانی هستی‌شناسی رادیکالیسم هستند و در الاسلام سیاسی تا آنجا پیش می‌رود که اقدامات خشونت‌بار تروریستی بر اساس اسلام را با عمل فحشا مقایسه می‌کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۸۴).

نمایندگان مجلس النهضه اذعان کرده‌اند که باورهای آنها در زمانی که خارج از کشور بوده‌اند، تحت تأثیر برخی دلایل مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گرفته است و سکولاریسم به بخشی از باورهای آنها تبدیل شده است؛ برخی از دلایل عبارت هستند از: اجتماعی کردن آنها در پذیرش هنجارها و شیوه‌های دموکراتیک و فراهم کردن بسترها و زمینه‌های تعامل با غیر مسلمانان. داده‌ها نشانگر آن است که زمان صرف شده در دموکراسی‌های سکولار یکی از منابع تغییر ایدئولوژیک برخی از اسلام‌گراها برای تبدیل شدن به دموکرات‌های مسلمان بوده است، نتایج در مورد النهضه تابعی از دوره زمانی است که آنها در غرب بوده‌اند. تنها دلایلی که اثرات مثبت زندگی صرف شده در غرب را کاهش می‌دهد عبارت هستند از: واکنش متقابل پس از ۱۱ سپتامبر علیه مسلمانان در ایالات متحده و اروپا (که با افزایش آزار و اذیت و نفرت همراه بود)، نظارت و دستکاری دولت‌ها در برابر اسلام‌گراها (Gerwal, 2018: 2). این میراث به معنای عدول آنها از شریعت و گرایش به غرب‌گرایی نبود، بلکه درک مقتضیات زمانه و شرایطی بود که ایجاب می‌کرد. هرچند آنها (به همراه مغرب و مصر) به واسطه نزدیکی و آشنایی بیشتر با اندیشه‌های دنیای غرب - برخلاف دیگر اعراب - به تبع آگاهی زمانی بیشتری داشتند و البته متأثر نیز بودند.

اوج نگاه اعتدالی الغنوشی هنگامی بود که در دادگاه از حامیان خود خواست که در مقابل حکم قاضی - فارغ از هر نتیجه - به فکر انتقام‌گیری نباشند. الغنوشی بیان می‌دارد: «ماهیت دین اسلام انعطاف‌پذیر است و با طبیعت بشری هماهنگی دارد... این انقلاب باید طوری باشد که به ما نطقی تمدنی، خلق و خویی تمدنی و سلوکی تمدنی ببخشد و بتواند پاسخگوی مکنونات قلبی و نیازهای ما باشد و توانایی - های راکد ما را به حرکت درآورد» (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۹ و ۱۶۱-۱۶۳). نقطه عطف رفتار دموکراتیک غنوشی را باید در مخالفت با قانون محرومیت کنشگران نزدیک به رژیم پیشین مشاهده کرد، جایی که ناگزیر شد تا اعضای النهضه را در این مسیر با خود همگام کند؛ اقدامی که عمدتاً با انتقاد سلفی‌های جهادی و البته تحسین جریانات سکولار، مارکسیست و ملی‌گرا نیز همراه بود. غنوشی در این بین اقدامی متناقض، ولی در مسیر آرمان دموکراسی، به کار گرفت. در حالی که سکولارها و چپ‌ها و نیز محافظه‌کاران منتظر نمایش نهایی غنوشی، جهت طرح اسلام در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی بودند و سلفی‌ها نیز نیم نگاهی به بازگشت النهضه به آرمان‌های اسلامی را داشتند، غنوشی خواهان انعطاف سیاسی برای تعامل بیشتر با سلفی‌ها و البته برخورد با خشونت‌گرایی برخی از آنها شد.

پس از تحولات سال ۲۰۱۳ و حذف سلفی‌ها از قدرت، النهضة خود را به‌عنوان حزب سیاسی محافظه‌کار معرفی کرد. رهبران النهضة در دهمین کنگره‌شان در ژوئن ۲۰۱۶، اعلام کردند که خط مشی منحصر به فرد و تخصصی را برای جدایی و تمایز فعالیت‌های سیاسی و عقیدتی اتخاذ کرده‌اند. بنابراین، اسلام دیگر آن‌گونه که در شعار «اسلام دین و دولت است» آمده، پروژه سیاسی کامل (از لحاظ گرایش به حکومت‌داری اسلامی) در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه سیستمی از ارزش‌های اخلاقی است که انتخاب‌های سیاسی النهضة را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رهنمون می‌کند (Ben Salem, 2018: 25). در ماه می ۲۰۱۶، جنبش اسلام‌گرای النهضة تونس اعلام کرد که از اسلام سیاسی خارج شده است و می‌خواهد به‌عنوان حزب دموکرات مسلمان شناخته شود. این اعلامیه نقطه اوج تحول ایدئولوژیک جنبشی بود که در دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان یک جنبش ضد دموکراتیک و غیر لیبرال که مصمم به تحمیل قوانین مذهبی بود و اکنون به جنبشی تبدیل شده که دموکراسی و حتی سکولاریسم را می‌پذیرد. چنین تحولی شبیه به آن چیزی است که احزاب دموکرات مسیحی در اروپا را به آن سوق داد: «الهام احزاب از دین و پذیرش سکولار دموکراسی پارلمانی» (Gerwal, 2018: 1).

رویکرد النهضة، اگرچه زیرکانه، اما فاقد پویایی جنبش‌های اصول‌گرا، خواه با ماهیت انقلابی یا مذهبی است. النهضة با چالش ابتکارات تازه برای محافظه‌کاران محتاط خود در خارج از پایگاه سنتی حزب مواجه است. النهضة با محدودیت‌های ناشی از تحولات منطقه‌ای و محلی به این فهم رسیده است که خطرات سیاسی بیش از دستاوردهای احتمالی ناشی از طرح موضوعات عدالت‌گرای ایدئولوژیک یا انقلابی، خواه مربوط به اقتصاد، اصلاحات امنیتی و قانون ضد تروریسم، یا قوانین عدالت انتقالی است. در غیاب داشتن اراده‌ای قوی در مورد چنین موضوعاتی و بدون احراز هویت در مجلس به واسطه طرح عقاید سیاسی، حامیان عدالت‌گرای انقلابی خود را فاقد نمایندگی سیاسی خواهند دید. این موضوع می‌تواند توانایی النهضة را برای ایجاد جریانی جذاب که آن را قادر بسازد تا فراتر از پایگاه تاریخی خود گسترش یابد، تهدید کند. همچنین اگر پارلمان تونس نتواند اصلاحات مورد نظر را در زمینه اقتصاد و سایر مسائل انجام دهد، می‌تواند منجر به احساس حاشیه‌نشینی النهضة و تبدیل شدن به نهادی سیاسی بدون نمایندگی [هر جریان سیاسی، دینی و اجتماعی] شود (Marks, 2015: 12). در واقع، رهبران النهضة به دلایل متعدد نه خواهان و نه توانایی بسط قرائت اسلامی در قانون اساسی را داشتند. آنها خواهان آن بودند که به شکل تدریجی و دموکراتیک دیگر جریانات غیر دینی به قدرت واقعی شریعت و البته اسلام (که آنها خود را نماینده راستینش می‌دانستند)، پی ببرند. نفوذ اسلام در دل‌ها، نه

در سیاست، ارائه تفسیری دموکراتیک و خویشن‌دار از اسلام و اهمیت به نقش قانونی منافع ملی و ارجحیت امنیت ملی بر شقاق و اختلاف، مقدمه بزرگ‌تر و تأثیرگذارتری از آمدن شریعت در پیش‌نویس قانون اساسی (و یا تفسیر اسلامی آن) بود. این دیباچه می‌تواند در آینده هم مقبولیت اجتماعی النهضه را در بین رقبا افزایش دهد و هم زمینه‌ساز بسط شریعت در قانون اساسی به شکلی کاملاً جدید و منطبق بر تاریخ، فرهنگ، تمدن و اندیشه‌های مختلف تونس باشد.

قیس سعید (به‌عنوان محافظه‌کاری مستقل) با اعطای اختیارات گسترده به خود در اقدامی نجلاء بودن رمضان، نخست وزیر را (بدون هیچ توضیحی برای اخراج او) برکنار کرد (Allafrica, 2 Aug 2023). در ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۲، قیس سعید تحت تدابیر شدید امنیتی، فضای سیاسی کشور را به یکباره متوقف، دولت را منحل و مجلس را به حالت تعلیق در آورد. مخالفان دولت از طریق اعتراضات عمومی خواهان بازگشت دموکراسی هستند (العالم، ۲۵ جولای ۲۰۲۳). در تابستان ۲۰۲۱، قیس سعید جهت کنترل و تصاحب قدرت اجرایی کشور، پارلمان را با استفاده از فرمان حکومتی منحل کرد. در این بین نزدیکان و متحدان سیاسی سعید مانند توفیق شرف‌الدین توانستند به بخشی از مناصب مهم و تأثیرگذار در عرصه سیاسی چون وزارت کشور را به دست بگیرند. با برگزاری دور دوم انتخابات پارلمانی، سعید عملاً قانون را ابزار خود برای پیشبرد اهدافی ساخت که بیش از هر چیز به قانون اساسی ضربه می‌زد. با اعتراضات و انتقادات صریح الغنوشی - برخلاف خیلی از رهبران سکولار دیگر که یا ضمنی نقد کردند یا به گونه‌ای که مواخذه هم نشوند - سعید وی را متهم و محکوم به زندان کرد.

النهضه در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما حکم صادره در مورد راشد غنوشی را محکوم می‌کنیم و آن را یک حکم سیاسی ناعادلانه می‌دانیم و خواهان آزادی او هستیم. آقای غنوشی که رهبری مجلس منحل شده توسط آقای سعید را با در دست گرفتن قدرت کامل در جولای ۲۰۲۱ بر عهده داشت، در اظهارات و نوشته‌های خود افراط‌گرایی و تروریسم را رد و از اعتدال حمایت کرده است (Africanews, 17 May 2023). در واقع این سنت فکری و سیاسی، امن‌ترین و قابل اطمینان‌ترین عامل درونی جریان النهضه است. فهم سیاسی مشترک بین سکولارها و النهضه بیش از آنکه اندیشگی و عقیدتی باشد، بر پایه منافع ملی تونس قابل فهم است. لذا، النهضه به نوعی پاکسازی و تطهیر خود از هرگونه رابطه و اتحاد با هم‌کیشان تندورتر خود (که با تفسیر اسلامی خواهان بسط حکومت اسلامی بودند) برآمدند، تا دیگر جریانات رقیب که به آنها امیدوار بودند - علی‌رغم تمایزات و تضادهای متعدد، ولی قابل حل - نتوانند

کمر نشان‌ی از کنش رادیکال و یا غیر دموکراتیک (مشابه تندورهای اخوان یا القاعده و در مواردی انصارالشریعه) را در آنها بیابند.

در نهایت، روند دموکراتیک جریان النهضة را که با شاخص‌ها و گزاره‌هایی چون سکولاریسم، پذیرش نظام سیاسی دموکراسی، پرهیز از خشونت و افراط‌گرایی و تمایز دین و سیاست، در تناسب و تلفیق است، در جدول زیر به‌عنوان مصادیق پژوهشی (مرتبط با بحث تئوریک اندیشی و روشی که پیشتر بیان شده است) آمده است:

جدول شماره ۶: مصادیق تجربی کنش سیاسی النهضة

گزاره روشی: ژانوس دین و سیاست (سکولاریسم با قرائتی مدنی) گذار از جنبش ضد دموکراتیک و غیر لیبرال در تلاش برای تحمیل قوانین مذهبی و پذیرش دموکراسی و سکولاریسم (Gerwal, 2018: 1). گذار از خوانش سیاست اسلامی مبتنی بر ایده موعظه و «جهاد» همانند اسلام‌گرای دهه ۱۹۴۰ (ر.ک به نولته، ۱۳۹۹: ۳۶۰-۳۶۱). تبدیل از حزب سیاسی محافظه‌کار از سال ۲۰۱۳ به جریانی دموکراتیک مدنی به شکل رسمی، در مصادیقی چون شعار «اسلام دین و دولت است» و سیستمی از ارزش‌های اخلاقی، نه پروژه‌ای برای سیاست (Ben Salem, 2018: 25). تحکیم باورهای لیبرالی مانند رفتار دموکراتیک، مخالفت غنوشی با «قانون محرومیت» افراد نزدیک به رژیم پیشین، هزینه سیاسی بسیار از سوی وی (Grewal & Hamid, 2020: 5). اعلام خروج از اسلام سیاسی در ماه می ۲۰۱۶ به مثابه نقطه ثقل تحول ایدئولوژیک، تاکید بر سکولاریسم و خود انتقادی دینی: تاکید بر «مای ملی» به جای «مای دینی» در سیاست، مانند طعنه جنجالی غنوشی به وضعیت کشور (زندانی امنیتی) تحت هدایت سعید.
گزاره روشی: دموکراسی به مثابه هدف؛ اجماع دین و سیاست (گذار دموکراتیک) احترام به قواعد بازی دموکراتیک: نقش رهبران در بقای حزب و عدم عدول نمایندگان متعدد حزب از قانون مانند زندانی شدن بیش از ۲۰۰ تن از اعضای آن به دنبال خروج الغنوشی از کشور (اسپوزیتو و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۶) / انتقاد باز سعید پس از انتخاب الحشانی به جای نجلاء بودن (با وجود تبعیت از وی) به علت عدم دلایل کافی / مخالفت با سرکوب ارزش‌های مدنی در دادگاه‌های مختلف (۱۹۸۰ تا کنون) (خسروشاهی، ۱۳۹۲، ۱۹)، عدول از شخص‌گرایی بر خلاف السبسی در نیت مبنی بر جایگزینی فرزندش. گذار دموکراتیک مدنی: توجه به مولفه‌های مردم‌سالاری دینی و عدول از قرائت شرعی‌سازی سیاسی در روند انتقالی / نقش الغنوشی در مدیریت سیاسی آگاهانه، نهادینه شدن آموزه‌های دموکراتیک تحت انگاره‌های سکولار و عدم باور به تغییرات بزرگ و اعتقاد به حرکت تدریجی و تغییرات گام به گام. دموکراسی به مثابه هدف و ارتقای آن: تاکید رهبران جنبش بر دموکراسی، مانند: «می‌خواهیم در چارچوب دموکراسی عمل کنیم» (اسعدی، ۱۳۹۷: ۵۱) / اجماع‌ها و ائتلاف‌های پارلمانی در تمام مقطع پسا انقلابی، همراهی با

دیگر جریان‌های سوسیالیست و لیبرال در اعتراضات مدنی، اظهارات الغنوشی درباره ترجیح تونس بر همه چیز، بازنگری در جریان حزبی در طول چهار دهه، پذیرش نتایج انتخابات پارلمانی دور دوم ۲۰۱۹.

گزاره روشی: میانه‌روی و پرهیز از خشونت و افراط‌گرایی

نگاه متفاوت به «جهاد در اسلام»، میانه‌روتر شدن النهضه به واسطه تغییر ایدئولوژیکی در طول چند دهه در حزب/ نقش الغنوشی در مدیریت اعتدال بین جریان‌های حدوداً «سکولاریسم» هم‌سوتر با ندا تونس - فعال امور امنیتی و سیاسی - و جریان میانه‌رو نورالدین البحیری و علی العریض. عدم دخالت مخرب الغنوشی در گرایش‌های منفک حزبی مانند الکرامه/ همسویی با احزاب سکولار و لیبرال در متهم کردن انصارالشریعه پس از ترور شگری بلعید و محمد براهمی/ انتقاد از سیاست تمامیت‌گرایی دولت مرسی در مقابله با احزاب سکولار و سوسیالیست/ انتقاد از ابوعیاض و رهبران انصارالشریعه به واسطه برافراشتن پرچم‌های «دولت اسلامی» پس از اعلام خلافت داعش. مخالفت با سلفی‌گری رادیکال از ۲۰۱۲ تا کنون/ ایجاد ائتلاف با مخالفان سیاسی مانند انتخابات ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، پذیرش و عدم به کارگیری خشونت پس از انحلال انتخابات پارلمانی دور اول ۲۰۱۹ با وجود پیروزی در دور اول، انفکاک با انصارالشریعه/ حذف خشونت دولتی و مقابله با آن به‌ویژه در دولت سعید از ۲۰۱۹ تا کنون.

نتیجه

جریان‌های سیاسی به‌ویژه در جهان عرب، میراث‌دار قرن‌ها تحول و دگرگونی ناشی از جدال‌ها، ناکامی‌ها، سرکوب‌ها و پاسخ‌های بزرگ به پروبلماتیک‌های سهمگین فکری و اندیشه‌ای بوده‌اند. در این بین نقش احزاب و جریان‌هایی که ماهیت دینی دارند بسیار حائز اهمیت است، چرا که به گونه‌ای می‌بایستی پاسخگوی سنت روشی و عقیدتی خود باشند. یکی از جریان‌های مهم در جهان عرب النهضه تونس است که بعد از تحولات مردمی ۲۰۱۱ توانسته است با ارائه رویکردی متناسب و چند وجهی، همچنان در کنار احزاب و جریان‌های دیگر، سپهر سیاسی و اجتماعی تونس را رهبری کند. در همین راستا، این پرسش مورد ارزیابی قرار گرفت که ضمن بررسی و واکاوی سنت فکری و اندیشگی جریان النهضه، کنش و رفتار سیاسی این جریان به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۳ (آگوست) بر مبنای چه قرائتی در سیاست قابل فهم و ارزیابی است. یافته‌ها در چند سطح بیانگر آن است که از منظر مفهومی و روشی، کنش رفتاری النهضه نیازمند توجه به سه عامل طولی است، منحنی تفاوت ساخت معنایی و تاریخی دو جهان‌بینی اسلام و غرب و نتایج آن به‌ویژه فهم سکولاریسم و مدرنیته، لزوم پاسخ جهان اسلام به معمای مدرنیته و ظهور جریان‌های متعدد به تبع پروبلماتیک مدرنیته و طرح راهکارهای متفاوت از سوی هر یک از گفتمان‌ها. ساخت معنای تفکر سیاسی النهضه، مانند دیگر

جریان‌ها در جهان عرب، تحت تأثیر معمای بزرگ رویارویی غرب و جهان عرب (سنت و مدرنیته) و نتایج مرتبط با آن به‌ویژه سکولاریسم قرار گرفته است. بخشی از سامان فکری این جریان تحت تأثیر سه پاسخ سنتی و معاصر بوده است: پاسخ جریان‌های جهان عرب به پروبلماتیک مدرنیته، نقش روشنفکران و اصلاح‌گرایان - در نسل‌های مختلف - و مکاتب فکری مانند اخوان المسلمین و الزيتونیه. جریان فکری النهضة متأثر از مکتب الزيتونیه و پیروی از روشی معتدل، انعطاف‌پذیر و به دور از راست‌کشی متعارف سلفی‌های جهادی و جریان‌ات حامی قرائت شریعت در قانون اساسی است. بر این اساس، الغنوشی به‌عنوان میراث‌دار نسل متأخر مکتب زيتونیه به‌ویژه عبدالفتاح مورو، شیخ حمد بن میلد و همچنین با تأثیرپذیری از اصلاح‌گرایان دموکراتیک جدید این جریان، به دنبال قرائتی مدنی از اسلام سیاسی بوده است.

از زمان انقلاب تونس تا دور دوم انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۹، مهم‌ترین موضوع - جدا از مشکلات و چالش‌های جامعه در حال گذار تونس - برای النهضة، گسست از جریان سلفی تندرو و قرائت خاص اسلامی در سیاست و نگاه ویژه دموکراتیک به دین بوده است. سنت فکری باور اغلب احزاب و گروه‌های دخیل در جبهه اتحاد ملی، گرایش و سوق یافتن النهضة از قواعد بازی دموکراتیک و گزینش سلفی‌های جهادی در مقابل رقبا بوده است؛ ولی احترام و باورهای النهضة به‌ویژه در سطح دینی و عقیدتی و عدم انتقال آنها در قانون اساسی و نیز مناسبات با دیگر احزاب، منجر به تردید و البته اعتماد برخی احزاب مخالف به النهضة شد. در نتیجه، تفاهم و توافق با النهضة منجر به پذیرش دولتی تکنوکرات و فراگیر و بدون جهت‌گیری منفی در برابر همه جریان‌ات و احزاب حامی رعایت قواعد بازی سیاسی موجود، اعم از اسلام‌گرایانی چون النهضة و نیز مخالفان غیر اسلامی آنان شد. بنابراین، شکل‌گیری نگرش نسبتاً مثبت به النهضة در بین طیف‌های مختلفی از مخالفان اسلام‌گرایی، اختلاف را در بین رهبران حزبی برخی احزاب مانند سکولارها پدید آورد.

اسلام از منظر النهضة محور کانونی مسائل منهای سیاست است و تمایزی در کارکرد این دو وجود دارد و آفت سیاست با دین بیش از نتایج آن برای دین‌داران و مسلمانان خواهد بود. همچنین، تفسیر و قرائت سکولار از مسائل نیز نه بر مبنای نگاه‌ها و آرای غربی مانند ندا تونس، بلکه بر اساس حفظ و اقتدار قانون اساسی و منافع ملی و فرا جناحی قرار دارد که از نظم فکری الزيتونیه به ارث رسیده است. لذا مولفه‌های سکولار مآب کنش رفتاری النهضة با گزاره‌های اندیشه غربی نیز سنخیت ندارد. موضوع مذکور جریان النهضة را در معرض انتقاد از سوی هر دو جریان اسلامی و سکولار، لیبرال و چپ‌گرا

قرار داده است و با این وجود النهضه توانسته است با حفظ پایگاه اجتماعی به نوعی از بحران‌ها و تضارب آرای متفاوت به سلامت گذر کند و نمونه موفق در بین جریان‌های اسلامی جهان عرب به شمار رود.

وجوه دموکراتیک و مدنی نظام فکری النهضه ایجاب می‌کند که در مولفه‌های متعدد - به‌ویژه در سکولاریسم به‌عنوان مهم‌ترین نتیجه بازاندیشی غرب در دوره روشنگری - با جریان‌های اخیر تونس در اشتراک باشد. در فقدان وجوه مشترک مذکور، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که النهضه با جریان‌های غیر اسلام‌گرا اجماع و ائتلافی داشته باشد. در همین زمینه، جدایی النهضه از رهبران فکری و سیاسی چون ابوعلیاض و ابوعرب مرزوقی، بیش از آنکه در مسائل اخیر ریشه داشته باشد، در مسئله نگاه به مدرنیته و سکولاریسم و قرائت ژانوسی از دین و سیاست نهفته است. برای الغنوشی و مکتب النهضه، ورود دین به سیاست و گرایش‌های افراطی در تمام عرصه‌ها به معنای عدول از مبادی عقیدتی و روشی - سیاسی است؛ لذا، راهی جزء وداع و گسست با آنها باقی نماند.

مواردی نظیر عدم بهره‌گیری النهضه از جریان سلفی و اجماع با سکولارها و دیگر جریانات لیبرال و چپ در مقاطع حساسی چون ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و دو دوره ۲۰۱۹، نشانگر آن است که اگر النهضه به دنبال فتح قدرت و اقتدارگرایی بود، همانند دیگر هم‌کیشان عربی خود در این مسیر گام برمی‌داشت. از سوی دیگر، مخالفت صریح این جریان و رهبر آن با اقتدارگرایی و عدول قانون سعید از قانون اساسی - بر خلاف دیگر جریان‌ها - نشانگر پیگیری سنت فکری و مقابله با هرگونه استبداد مشابه دوران بن‌علی است. در واقع این نمونه‌ها نشانگر آن است که منحنی فکری النهضه از نظم خاصی پیروی می‌کند که بر مبنای سه اصل سنت فکری، مقتضیات خاص سیاسی و اجتماعی تونس و نوع نگاه رهبران جریان النهضه قرار گرفته است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۹۳)، سیر تحول جنبش‌های اسلامی: از نهضت سلفیه سیدجمال تا بیداری اسلامی (۱۳۹۰-۱۲۴۹ ه.ش)، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- ۲- احمدی، حمید (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- ۳- اسپوزیتو، جان دال؛ تامارا سان و جان. آ وال (۱۳۹۶)، دولت و جنبش‌های اسلامی معاصر: اسلام و دموکراسی پس از بهار عربی، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و محمد حاجی‌پور، تهران: نشر نگاه معاصر.

- ۴- اسعدی، مرتضی (۱۳۹۷)، ایران، اسلام، تجدد: مقالاتی در باب فکر و فرهنگ اسلامی در جهان جدید، تهران: نشر طرح نقد.
- ۵- بلقزیز، عبدالاله (۱۳۹۸)، دولت و نظام سیاسی در اندیشه متفکرین اسلامی معاصر، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی و محمدجواد خلیلی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۶- جلیدی، مصدق (۱۳۹۳)، «اسلام‌گرایان ترقی‌خواه؛ اولین نشانه‌های روشنفکری اسلامی در تونس»، در: اسلام سیاسی در تونس: از مشت آهین بن علی تا انقلاب یاسمین، (جمعی از نویسندگان)، ترجمه مصطفی اسماعیلی و مهدی عوض‌پور، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، صص: ۱۷۳-۲۰۰.
- ۷- حنفی، حسن و محمد عابد جابری (۱۳۹۲)، گفتگوی شرق و غرب جهان اسلام، ترجمه بهرام امانی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۸- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۹۲)، بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی، قم: بوستان کتاب.
- ۹- دژاردن، تیری (۱۳۵۷)، صد میلیون عرب: برداشتی نو از رویدادهای جهان عرب، ترجمه حسین مهری، چاپ دوم، تهران: نشر توس.
- ۱۰- روا، اولیویه (۱۳۹۳)، اسلام جهانی‌شده، ترجمه حسین فرشتیان، چاپ دوم، قم: نشر بوستان کتاب.
- ۱۱- شحرور، محمد (۱۳۹۹)، دین و قدرت: خوانشی نو از حاکمیت، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: نشر مروارید.
- ۱۲- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۹۷)، جهاد در اسلام، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- ۱۳- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۹)، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، چاپ هشتم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۱۴- علانی، اعلیه (۱۳۹۳)، «جنبش اسلامی تونس و مسئله جستجوی هویت»، در: اسلام سیاسی در تونس: از مشت آهین بن علی تا انقلاب یاسمین، (جمعی از نویسندگان)، ترجمه مصطفی اسماعیلی و مهدی عوض‌پور، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، صص: ۲۰۱-۲۳۱.
- ۱۵- عنایت، حمید (۱۳۸۹)، سیری در اندیشه سیاسی عرب؛ از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

منابع غیر فارسی

- 1- Addi, L. (2017). Radical Arab Nationalism and Political Islam, translated by Anthony Roberts, Georgetown University Press.
- 2- Ben Salem, M. (2018). "The Reconfiguration of Ennahda's Recruitment Strategy in Tunisia", IN: Islam and Politics in Post-2011 Tunisia [Edi: A. Kadur Yildirim], (4. 30), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 25-29.
- 3- Fahmi, G & Meddeb, H. (2015). Market for Jihad: Radicalization in Tunisia, Carnegie Middle East Center, Carnegie Endowment for International Peace.
- 4- Ghannouchi, R. (2016). "Fight ISIS with Democracy", The Atlantic, February 1, (accessed on 12 Aug 2022), at: www.theatlantic.com/international/archive/2016/02/tunisia-democracy-ennahdha-isis/458703/

- 5- Grewal, S. (2018). From Islamists to Muslim Democrats: The Case of Tunisia's Ennahda, Interviews, February, At: https://scholar.princeton.edu/sites/default/files/grewal/files/grewal_secularidiffusion_1.pdf
- 6- Grewal, S. (2015). "Why Tunisia didn't follow Egypt's path," The Washington Post, February 4, 2015, <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2015/02/04/why-egypt-didnt-follow-tunisias-path/>.
- 7- Grewal, S. (2019). "Political outsiders sweep Tunisia's presidential elections," The Brookings Institution, September 16, at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/09/16/political-outsiders-sweep-tunisias-presidential-elections>
- 8- Grewal, Sharan & Hamid, Shadi (2020). "The Dark side of Consensus in Tunisia: Lessons from 2015-2019", Foreign Policy at Brookings. at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2020/01/FP_20200131_tunisia_consensus_grewal_hamid.pdf
- 9- Hashemi, N. (2021). "Political Islam: A 40 Year Retrospective", Religions, Vol. 12, No.2, at: <https://www.mdpi.com/2077-1444/12/2/130>
- 10- Marks, M. (2015). "Tunisia's Ennahda: Rethinking Islamism in the Context of ISIS and the Egyptian coup", Rethinking Political Islam Series, Brookings Institution, pp: 1-12. At: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/07/Tunisia_Marks-FINALE-5.pdf
- 11- Merone, F. (2013). "Salafism in Tunisia: An Interview with a Member of Ansar al-Sharia." Jadaliyya, April 11, 2013. http://www.jadaliyya.com/pages/index/11166/salafism-in-tunisia_an-interview-with-a-member-of-.
- 12- Merone, F. (2014). "Enduring Class Struggle in Tunisia: The Fight for Identity beyond Political Islam." British Journal of Middle Eastern Studies 42 (1): 74-87.
- 13- Merone, F. (2017). "Between social contention and takfirism: the evolution of the Salafi-jihadi movement in Tunisia." Mediterranean Politics, Vol.22, No.1.pp: 71-90.
- 14- Netterstrøm, Kasper. 2015. "The Islamists' Compromise in Tunisia." Journal of Democracy, Vol. 26, No.4. pp: 111-124.
- 15- Ounaies, A. (2015). "Building a Democratic State: The Case of Tunisia ", IN: Crisis and New Agenda of the Arab States, IEMed Mediterranean Yearbook 2015, pp: 31-36. At: <https://www.iemed.org/wp-content/uploads/2021/01/Building-a-Democratic-State-The-Case-of-Tunisia.pdf>
- 16- Ounissi, S. (2016). "Islamists on Islamism Today: Ennahda from within: Islamists or "Muslim Democrats"? Brookings Institution, Brookings's Rethinking Political Islam project.
- 17- Redissi, H. (2014). "the Decline of Political Islam's Legitimacy: The Tunisian Case", Philosophy and Social Criticism, Vol. 40, pp: 4-5.
- 18- Yerkes, S. (2018) "Too Strategic for the Base: How the Nidaa-Ennahda Alliance Has Done More Harm Than Good", IN: Islam and Politics in Post-2011 Tunisia [Edi: A. Kadir Yildirim], (4. 25), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 5-10.
- 19- Zouaghi, S & Cavatorta, F. (2018). "A Doomed Relationship: Ennahda and Salafism", IN: Islam and Politics in Post-2011 Tunisia [Edi: A. Kadir Yildirim], (4/ 27), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 17-24.
- 20- Govrin, D. (2014). The Journey to the Arab Spring: The Ideological Roots of the Middle East Upheaval in Arab Liberal Thought, London, Valentine Mitchell
- 21- Ramadan, T^٤. (2012). The Quest for Meaning: Developing a Philosophy of Pluralism, Penguin UK.
- 22- Nasr, S. H. (1996). Religion and the Order of Natur, Oxford University Press.
- 23- Nasr, S. H. (2021). "Interview with Prof. Seyyed Hossein Nasr". Retrieved 25 September, First Publisher 26 May 2009.

- 24- Nasr, S. H. (2022). "Reflections on Islam and Modern Life", Al-Islam,Org, Vol.6, No.1, pp: 1-15, review (2022, 3, April), at: <https://www.al-islam.org/it/al-serat/vol-6-no-1/reflections-islam-and-modern-life-seyyed-hosseini-nasr/reflections-islam-and-modern-life-seyyed-hosseini-nasr/reflections-islam-and-modern-life-seyyed-hosseini-nasr>
 - 25- Sharabi, H . (1970). Arab Intellectuals and the West: The Formative Years, 1875-1914, Baltimor and London, John Hopkkins Press.
 - 26- Grewal, S.S (2020). "From Islamists to Muslim Democrats: The Case of Tunisia's Ennahda" May , American Political Science Review, Oxford University Press, ,Vo.l. 114, No.2. pp: 519-535.
 - 27- Grewal, S. (2023). Soldiers of Democracy? Military Legacies and the Arab Spring, Oxford University Press.
 - 28- Dicken, P. (2011). Global Shift: Mapping the Changing Contours of the World Economy, Guilford Press, New York.
 - 29- Baker, V. (2015). The Role of Civil Society in the Tunisian Democratic Transition, University of Colorado, Boulder CU Scholar, thesis the faculty of The University of Colorado, Undergraduate Honors Theses. Paper 971, International Affairs Program, at: <https://core.ac.uk/download/pdf/54848111.pdf>
 - 30- Mansouri, F & Armillei, R. (2016). The democratic 'transition' in post-revolution Tunisia: conditions for successful 'consolidation' and future prospects, DRO, Deakin University's Research Repository, R/evolutions: global trends & regional issues, vol. 4, No. 1, pp. 156-181.at: <http://dro.deakin.edu.au/eserv/DU:30091519/mansouri-democratictransitions-2016.pdf>
 - 31- Voltolini, B & Colombo, S. (2018). The EU's Engagement with 'Moderate' Political Islam: The Case of Ennahda, LSE: Middle East Centre, Paper Series 19,At: <http://eprints.lse.ac.uk/84065/1/EUEnnahdaRelations.pdf>
 - 32- Yildirim, K. K, et al (2018). Islam and Politics in Post - 2011 Tunisia, Center for the Middle East, Rice University's Baker Institute for Public Policy. At: <https://www.bakerinstitute.org/media/files/files/1b476ca4/cme-pub-carnegie-tunisia-050118.pdf>
 - 33- W Ben Salem, M. (2018). "The Reconfiguration of Ennahda's Recruitment Strategy in Tunisia", IN: Islam and Politics in Post-2011 Tunisia [Edi: A. KADIR YILDIRIM], (4. 30), ISSUE BRIEF, Center for the Middle East, Rice University Baker Institute for Public Policy, PP: 25-29.
 - 34- Africanews (17 May 2023). "Tunisia: Ennahda denounces a "political verdict" against the opponent Ghannouchi", Date of observation (07 Aug 2023), at: <https://www.africanews.com/2023/05/17/tunisia-ennahdha-denounces-a-political-verdict-against-the-opponent-ghannouchi/>
 - 35- Allafrika (2 Aug 2023). Tunisia: President Saied Sacks First Female PM Najla Bouden", Date of observation (06 Aug 2023), at: <https://allafrica.com/stories/202308030259.html>
- ٣٦- امام، امام عبدالفتاح (١٩٩٤)، الطاغية، دراسه فلسفيه لصور من الاستبداد السياسي، كويت، المجلس الوطني للثقافة و الفنون و الاداب.

٣٧- امين، سمير (٢٠١٢)، «الثورات العربية بعد عام»، ٨ فبريوري، قاهره، موقع الحوار المتمدن.

٣٨- بشاره، عزمي (٢٠٠٨)، العرب في اسرائيل: رويه من الداخل، مركز دراسات الوحدة العربية.

٣٩- بلقزيز، عبدالاله (٢٠٠٠)، نهايه الداعيه: الممكن الممتنع في ادوار المثقفين، نشر المركز الثقافي العربي.

٤٠- بلقزيز، عبدالاله (٢٠٠٧)، العرب و الحداثه: دراسه في مقالات الحداثيين، بيروت، نشر مركز دراسات الوحدة العربية.

- ۴۱- بن عبدالعزيز، عبدالقادر (لا تاریخ)، المعده فی اعداد العده للجهاد فی سبیل الله تعالى، لا مكان، نشرالجهاد و التوحيد.
- ۴۲- البناء، جمال (۲۰۰۷)، الاسلام يجابه تحديات العصر، قاهره، نشر دارالفكر الاسلامی.
- ۴۳- تريكي، فتحی (۱۹۸۸)، قراءات فی فلسفه التنوع، طرابلس، نشر الدار العربيه للكتاب.
- ۴۴- تريكي، فتحی (۱۹۹۲)، فلسفه الحداث، بيروت، نشر مركز الانماء القومي.
- ۴۵- جعيط، هشام (۱۹۹۹)، الوحي و القرآن و النبوه، بيروت، دارالطليعهی بيروت.
- ۴۶- جعيط، هشام (۲۰۰۱)، أزمة الثقافه الاسلاميه، بيروت، دارالطليعهی بيروت.
- ۴۷- جعيط، هشام (۲۰۰۸)، الفتنه: جدليه الدين و السياسه فی الاسلام المبكر، بيروت، دارالطليعهی بيروت.
- ۴۸- حنفي، حسن (۱۹۸۹)، الدين و الثوره فی المصّر، [ج ۸]، قاهره، نشر مكتبه مديولي.
- ۷۹- رمضان، طارق (۲۰۰۵)، مسلمو الغرب و مستقبل الاسلام، ترجمه العربيه ابراهيم الشهابي، لدوحه، نشر المجلس الوطني للثقافه و الفنون و التراث، مركز الترجمة.
- ۵۰- رمضان، طارق (۲۰۰۹)، المسلمون فی ظل العلمانيه: واجبات المسلمين و حقوقهم فی المجتمعات، بيروت، نشر دارالهادي بيروت.
- ۵۱- كريبه، كريمه محمد (۲۰۱۷)، منهج نصر حامد أبی زيد فی قراءه النص الديني، المجله الاردنيه للعلوم الاجتماعيه، المجلد ۱۰، العدد ۱. فی: <https://journals.ju.edu.jo/JJSS/article/view/15215/72>